

کرده‌اند .

ص ۱۲۰ سطر ۱۵ ولی . . . معاصروى صادقى کتابدار ترجمه‌ای از او با اشعاری چند در مجمع الخواص آورده و چنین نویسد : اشعارش رنگین و ایباتش دلنشین است ولی بجز شعر از چیز دیگر اطلاع ندارد چنین تریاکی طمع‌کار کم پیدا میشود . عیاذاً بالله اگر کسی بخواهد بیستی از او گوش کند ناگزیر بدام طمعش گرفتار میگردد (مجمع الخواص ص ۱۵۲) .

ص ۱۲۰ سطر ۱۲ دل من وغم عشق تو آ بگینه و . . .

ص ۱۲۲ سطر ۲ شیخ ابو حامد . . . ظاهراً وی همان اوحدی کرمانی است که پس از این مرد نکر شده است. مرحوم هدایت نیز همین رباعی را ذیل ترجمه اوحدی کرمانی بنام او ثبت کرده است .

ص ۱۲۲ سطر ۱۰ وفاتش در سنه . . . مرحوم قزوینی در حاشیه شد الا از وفات ویرا بسال ۶۳۵ نوشته است ص ۳۱۱ کتاب) . ترجمه احوال او در تاریخ گزیده، مجمل فصیحی ، نفعات الانس و تذکره هفت اقلیم ، طرائق الحقائق، ریاض العارفین آمده است .  
ص ۱۲۲ سطر ۲ بحرین و قصب . . . ظاهراً بحرین و قطیف .

ص ۱۲۳ سطر ۳۲ خواجه . . . (تولد ۶۸۹ وفات ۷۵۳) .

ص ۱۲۳ سطر ۲۱ سید . . . نعمت الله بن سید عبدالله کرمانی کهبانی ماهانی ملقب به نورالدین و معروف به ولی و شاه نعمت الله ، ولادت او در ماهان کرمان و مزار او هم بدان قصیده است . از اکابر عرفای نامی و شیخ طریقت نعمت اللهی و کرامت بسیار بدو منسوب است سال وفات او را باختلاف از ۸۲۰ تا ۸۳۴ و سن او را بهنگام حرکت از ۷۵ تا ۹۷ سال نوشته‌اند .

مؤلف حبیب السیرو وفات او را در بیست پنجم رجب سال ۸۳۴ نوشته است اطبع خیم ج ص ۱۷) .

ص ۱۲۴ سطر ۱۳ عماد فیه . . . وفات بسال ۷۷۲ یا ۷۷۳

ص ۱۲۴ سطر ۲۳ وحشی . . . از شعرای دوره شاه طهماسب و وفات او بسال ۸۹۹ هـ

اتفاق افتاد . ماده تاریخ او را (وحشی مسکین وفات یافت) سروده اند .

ص ۱۳۴ سطر ۲۱ ابوحنیفه اسکافی . بامراجعه بمواضع مختلفه از تاریخ بیهقی

که نویسنده آن با ابوحنیفه دوست بوده و نوی اعتقادی داشته و از بررسی اشعار ابوحنیفه معلوم میشود او غزنوی است نه مروزی . و نیز تلمذ وی ترمذ معلم ثانی یعنی ابو نصر فارابی (متوفی ۳۳۹) بغایت بعید است زیرا تصریح بیهقی ابوحنیفه با دربار سلطان ابراهیم غزنوی (جلوس ۴۵۱) مربوط بوده و سلطان از وی شعر خواسته و شاعر را مورد نظر قرار داده است و اگر داستان شاگردی ویرا ترمذ فارابی درست بدانیم بایستی جنین فرخ کنیم که وی اواخر عمر فارابی را درک کرده و آنوقت لااقل باید ۱۵ سال داشته باشد و نیز بایستی سن ابوحنیفه در این وقت که بیهقی از او یاد می کند به حدود ۱۳۰ سال رسیده باشد در حالیکه وی در آن اوان جوان بوده است .

ص ۱۳۵ سطر ۴ عسجدی وفات وی بنقل مرحوم هدایت در مجمع الفصحا در

سال ۴۳۲ بوده است . لیکن آقای دکتر صفا تقریباً بیتی از معزی که در مدح ابو محمد نسیع بن مسعود سروده و در ضمن آن گوید :

بمجلس پندرت عسجدی ز بهر طمع      هدیج برد پیام حفری و هودود

بمجلس تو من آورده ام ز بهر شرف      عزیز عقدی بگزیده از میان عقود

و چون سلطنت هودود (۴۳۲-۴۲۰) است بایستی وی پس از ۴۳۲ در گذشته

باشد . رجوع شود به (تاریخ ادبیات آقای دکتر صفا ج ۱ ص ۵۸۱) .

۱۳۵ سطر ۱۱ کسائی مروزی      ولادت وی بموجب بیتی که سروده اوست ۵۳۱

بوده است :

بسیصد و چهل و یک رسید نوبت سال      چهارشنبه و سه روز باقی از شوال

بیامدم بجهان تا چه گویم و چه کنم      سرود گویم و شادی کنم به دعوت وهال

آقای دکتر صفا در تاریخ ادبیات نویسد که با او آخر عمر کسائی با او ایام عمر

ناصر خسرو متولد ۳۹۴ مصادف بوده است (تاریخ ادبیات ج ۱ ص ۴۵۵) اثنی وفات

وی بایستی اوائل عشر دوم قرن منجم رخ داده باشد زیرا او در یک شعر به پنجاه سالگی

خود اشاره کند که گوید :

ایا کسائی، پنجاه بر تو پنجد گذاشت      بکند بال ترا زخم پنجه و چنگال

و چون ولادتش بتصریح خود وی بسال ۳۷۱ است پس پنجاه سالگی او مقارن با سال ۳۹۱ خواهد بود و چون در ایاتی که در لغت فرس بنام او ضبط است به پیری و گرانی و سرف سرف خود تصریح می کند و معمولاً این عوارض پس از هفتاد سالگی رخ میدهد شاید تا بسال ۷۱۰ حیات داشته است . اما آنچه در متن کتاب از معاصر بودن وی با رودکی آمده بکلی بی اساس است و کسائی پس از مرگ رودکی متولد شده .  
ص ۱۳۶ سطر ۱۲ خلاصه در سنه . . . ولادت ۳۵۷ (تاریخ ادبیات دکتر صفاج ص ۶۰۷).

ص ۱۳۶ سطر ۲۵ من اعمال دشت خاوران . . بعضی مولداورد اخطه لاهور دانسته اند ولی طاهراً قول مؤلف اصح است ابوالفرج از استادان مسلم شعر فارسی در دوره دوم غزنوی است . وفات او دقیقاً معلوم نیست لیکن پس از سال ۷۹۲ یعنی سال جلوس سلطان مسعود بن ابراهیم در گذشته (تاریخ ادبیات دکتر صفاج ص ۴۷۰) .

ص ۱۳۸ سطر ۱۸ شهری . مؤلف الذریعه آرد: شاهپور بن محمد، نسب او به عمر خیام می پیوندد، وی شاگردی ظهیر قاریابی کرد سلطان محمد بن تکش منصب افتاد بدو داد . . .

شهری بسال ۶۰۰ به تبریز در گذشت و در مقبره سرخاب جنب قبر خاقانی و ظهیر قاریابی مدفونست . مؤلف شاهد صادق وفات او را در ۶۷۵ نوشته و او را شاهپور شهری نیشابوری دانسته (الذریعه جزء ۲ از ج ۹ ص ۷۹۶) .

جمال الدین شاه فوری بن محمد شهری نیشابوری از شعراي قرن ششم و معاصر مجیر بیلقانی و اسیر اخیسکتی است و مداح فرز ارسلان (۵۸۱-۵۸۷) بوده است . عوفی در لباب الالباب نویسد :

وقتی مجیر از خدمت سلطان فرز ارسلان تخلف نمود . سلطان فرمود تا تیر- اخیسکتی و جمال شهری را طلب کردند و ایشانرا به نظر خود منظور گردانید.

مجیر این قطعه بحضرت فرستاد :

شاها بدان خدای که آثار صنع او

جان بخشی و وجود دهی بنده پروردگست

در آرزوی بزم تو کز آسمان بهست

این خستد در شکنجه صد گونه بر بر

گفتند کرد شاه جهان از اثیر یاد

وز اشهری که پیشه او مدح گستر

داند خدایگان که سخن خشم شد بمن

تا در عراق

(لباب الالباب تصحیح آقای نفیسی ص ۴۰۴-۴۰۷)

ص ۱۳۸ سطر ۲۱ خیام... خواجده ابوالفتح عمر بن ابراهیم خیام نیشابوری از مشاهیر

حکما و ریاضی دانان نیمه دوم قرن پنجم و اوائل قرن ششم و از مفاخر بزرگ ایران

است و گذشته از کمال مرتبه‌ای که وی را در ریاضیات بوده است بنقل شهرزوری در تفسیر

قرآن نیز مقامی ارجمنند داشته است. برای ترجمه مسووط احوال خیام زجوع شود به

تعلیقات بر چهارمقاله نظامی عروضی تألیف آقای دکتر معین ص ۲۹۲-۳۶۴).

اما داستان مواضعه او با نظام المالك و حسن صباح گویا از مجموعه‌لات فیصان و

افسانه سرایانست.

ص ۱۲۰ سطر ۶ رضی الدین . عوفی نویسد : وی در علم فقه و خلاف صاحب اطلاع و

اثر بود و هر گاه از این امور ملول میشد قصیده می سرود . تقی الدین کاشی وفات او را بد

سال ۵۹۸ نوشته است (تاریخ ادبیات دکتر صفاج ص ۱۵۰).

ص ۱۴۱ سطر ۱۲ سامی . . وی از عهد سلطان حسین بایقرا تا دوره شاه طهماسب

صفوی در شهر و ادب شهره بلاد خراسان بوده است (ریحانة الادب ج ۲ ص ۱۵۲ بنقل

از قاموس الاعلام . الذریعه جزء ۲ از ج ۱ ص ۴۲۴). در مجالس النفاث (ص ۶۲ و ۲۳۵)

شاعری بنام شامی دامغانی ضبط شده و مصحح در باورقی ص ۶۲ نوشته است که در نسخه (ترکی الف) سامی آمده است .

ص ۱۸ سطر ۱۸ سیفی . . . مقصود علی بن احمد سیفی نیشابوری از شاعران نیمه دوم قرن ششم هجری است . گویند وی کتابی حاوی صد نامه عاشقانه که بمعشوق نویسند تالیف کرده و مقبول نظر فصلا افتاده است رجوع شود بد (لباب الالباب تصحیح آقای نفیسی ص ۳۵۹) و تاریخ ادبیات تالیف آقای دکتر صفا ج ۲ ص ۶۲۶ .

ص ۱۴۱ سطر ۲۱ شیخ صدرالدین . . . رجوع شود به لغت نامه دهخدا ذیل کلمه صدرالدین . . .

ص ۱۴۲ سطر ۱۵ و کان ذالت فی سنه . . . سال وفات عطار را از ۵۸۶ تا ۶۲۷ نوشته اند آقای نفیسی در تعلیقات لباب الالباب سال ۶۲۷ را اختیار کرده اند و در عبارت مؤلف که نوشته است . در فتنه چنگیزی در نیشابور گشته شد باید که تسامحی باشد .

ص ۱۴۴ سطر ۱۶ عرض قطع نظر از شاعری . . .

ص ۱۴۵ سطر ۶ و طبع بسیار خوشی (دارد)

ص ۱۴۶ سطر ۶ رحمة (الله) علیه و . . .

ص ۱۴۷ سطر ۲ نظیری . از شعرای عهد صفوی و او اخر عمر او با او ایلام

صائب تبریزی مقارن بود و صائب آور استوده و بر خود و عرفی ترجیح داده است :

صائب چه خیال است شود هم چون نظیری عرفی بد نظیری فرساید سخن :

نظیری در هندوستان مورد توجه خانخانان واقع گشت سپس بد حج رفت

در مراجعت بگجرات و احمد آباد متوطن شد و بسال ۱۰۳۳ در گذشت قبر وی در تهر

پوزه احمد آباد است و گنبدی دارد ( تذکره سرر آزاد ص ۲۵ و ۲۵ ) .

ص ۱۴۷ سطر ۳ لوجمع قراب اصفهان . . . چنانکه متعده می شود در عبارت ششم

فاحش است و آن مذکور نبودن فاعل يموت است که قاعده بیستی احد شد

ص ۱۴۷ سطر ۶ ابواسماعیل . مقصود خواجه عبدالله انصاری صاحب رساله

و مؤلفات مشهور است .

ولادت وی سال ۳۹۷ در قهند زطوس بود و بسال ۴۸۱ در گذشت (ریاض العارفین ص ۵۰). و صاحب نفعات الانس تولد او را در ۳۷۶ نوشته است .

ص ۱۵۷ سطر ۱۰ حکیم ازرقی ... وفات ازرقی رانقی الدین کاشی بسال ۵۲۷ نوشته و هدایت ۵۲۶ دانسته است و گویا هر دو تاریخ درست نباشد زیرا ازرقی مداح امیر انشاء بن قاورد بوده است که پیش از ۴۷۶ وفات یافته و نیز مداح طغانشاه است که در عهد الب ارسالان (متوفی ۴۶۵) حکومت خراسان داشت و چون در دیوان ازرقی از سلاطین بعد یعنی ملکشاه، محمود، برکیارق، محمد، سنجر، نشانی نیست پس بایستی وفات او در حدود ۴۶۵ باشد و چون بدری اسماعیل وراق معاصر فردوسی است، میبایست ازرقی در اوایل قرن پنجم متولد شده باشد. و در صورت زنده بودن تا سال ۵۲۶ و ۵۲۷ سن او بیکصد سال و اند رسیده باشد و این مستبعد است. بعلاوه نظامی عروضی هنگامی که از داستان نردباختن حکایت کند چنین نویسد «با منصور با یوسف در سنه سبع و خمسه که من بهرات افتادم مرا حکایت کرد ...» و بعید است که نظامی عروضی در زمان حیات و سکونت ازرقی در هرات بدان شهر رفته و آنشاعر را در صورتیکه تا ۵۲۷ زنده بوده است ملاقات نکرده باشد (از تاریخ ادبیات آقای دکتر صفاح ص ۲۵ و ۲۳۶) و رجوع شود به مقدمه دیوان ازرقی بقلم آقای سعید نفیسی.

ص ۱۵۱ سطر ۱۶ اصفی . از شعرای قرن هشتم و اوایل قرن نهم و از شاگردان امیر علی شیر نوائی و بدیع الزمان میرزا است و بسال ۹۲۳ در گذشت .

(الذریعه جزء ۱ از ج ۹ ص ۸ بنقل از روضة الصفا).

ص ۱۵۱ سطر ۱ اما آنچه مجد همگر...

مقصود این بیت منسوب به مجد است که گوید:

در پیشه شاعری باجماع امم هرگز من و سعدی بامامی نرسیم

ص ۱۵۱ سطر ۱۶ گویند وقتی که امامی ... اگر مقصود از عماد الدین در این داستان عمادالدین فقیه کرمانی معاصر خواجه حافظ شیرازی است این داستان مسلماً

بی اساس است زیرا وفات امامی در ۶۸۶ بوده و عماد فقیه در ۷۷۲ در گذشته

ص ۱۵۲ سطر ۳ و کان ذلك سنه ... مؤلف حبيب السیر و وفات او را در اوائل رمضان سال ۹۱۸ نوشته است (حبيب السیر چاپ خیام ج ۴ ص ۳۴۸ و ۵۲۸).

ص ۱۵۳ سطر ۸ حیدر کلیچه ... معاصر امیر علی شیر نوائی است . میر در باره وی نویسد : مردی عامی است قبل از این در بازار ملک بکلوچه پزی مشغول بود اما حالا از شعرای مشهور شهر هرات است (مجالس النفائس ص ۱۵۲) . وفات او بسال ۹۵۸ بوده است . رجوع به (الذریعه جزء اول از ج ۹ ص ۲۷۰ . تذکره نصر آبادی مجمع الخواص . تحفه سامی) شود

ص ۱۵۳ سطر ۱۲ رجائی ... مؤلف صبح گلشن نویسد : وی از محدث میرک شاه و عبدالرحمان جامی روایت کند.

چون از سفر حج باز گشت بقزوین و سپس بزنجان شد و در آنجا بسال ۹۶۵ در گذشت و در حواری ابوالفرج زنجانی مدفون است (الذریعه جزء ۲ از ج ۹ ص ۳۵۶) .

ص ۱۵۳ سطر ۲۲ خالدی ... میر علی شیر نوائی نویسد : مولانا خالدی از ولایت حصار شادمانست و به شهر هرات بجهت تحصیل آمد و مدت مدیدی سبق خواند و بسیار بلاحیت است همانا از اولاد خالد ولید است و از اوست این مطلع :

مترس از تن خاک کی بوقت کشتن من

اگر به تیغ تو گردی رسد بگردن من

مشارالید مردی فقیر بود و در صورت قلندری می گشت این مطلع نیز از اوست ...

(مجالس النفائس ص ۱۲۰)

ص ۱۵۳ سطر ۲۵ زلالی ... وی بسال ۹۳۱ در گذشت (تحفه سامی ص ۱۲۷)

ص ۱۵۵ سطر ۱۶ آصفی . در نسخه چاپی نام این شاعر در بیان شعرای هرات آمده

است . و ظاهراً آصفی خطاست و صحیح آن وصفی است و از مردم هرات است نه . استر آباد

ترجمه مختصر وی در مجالس النفائس آمده و همین يك بيت را بنام او ضبط کرده است (ص ۱۵۶).

ص ۱۵۵ سطر ۱۹ بزمی . . . در نسخه چاپی برقی ضبط شده و درست نیست در الذریعه وفات ویرا ۹۵۰ نوشته است (جزء اول از ج ۹ ص ۱۳۴).

ص ۱۵۵ سطر ۲۵ دایمی از حالش چیزی معلوم نشد . . . در نسخه چاپی داعی آمده ولی غلط است. میرعلی شیرنوائی از وی نام برد و این مطلع را بنام او ثبت کرده است: آن پیری را کد ز گلبرك قبادر بر اوست هر طرف بند و قبا نیست که بالو پراوست (مجالس النفائس ص ۸۶).

ص ۱۵۶ سطر ۱۷ یعنی . . . بهند رفته و تزد اکبر شاه تقرب یافته و بسال ۹۸۰ در سفر گجرات در گذشته است. (الذریعه جزء ۲ از ج ۹ ص ۳۹۱).

ص ۱۵۶ سطر ۳ سجایی معاصروی صادقی کتابدار در مجمع الخواص او را نام برده و نوید: در کسوة تفرید و تجرید در عتبات عالیات و بخصوص در نجف اقامت داشت. مدت هفده سال در آن آستانه چنان بر ریاضت ریاکارانه رفتار میکرد که اکثر خدام و زوار را مرید خود ساخته بود چون این حالت وی مزورانه بود موقعی که بنده بعتبات مشرف شدم چند عمل زشت نفسانی و بلکه شیطانی از آن حریف سرزد که در نتیجه مریدانش همه منکر گشتند. هنوز هم بر همان طریق رفتار می کند مثل اینکه صاحب آن اعمال تشیع او نبوده است. . . (مجمع الخواص ص ۳۰۴-۳۰۵) لیکن غلامعلی آزاد در معاصر الکرام او را سخت ستوده و کراماتی برای وی نوشته است (ص ۱۵-۱۶). و گوید بسال ۱۰۱۰ در نجف در گذشت و مؤلف الذریعه وفات او را سال ۱۰۲۱ نوشته است (جزء ۲ از ج ۹ ص ۴۳۳).

ص ۱۵۶ سطر ۱۲ سیری . . . صادقی کتابدار نوید: سالی يك مرتبه باردوی معلامی آمد و شاه مرحوم بعات تشیع دوستی حکمهایی که مشارالیه می خواست بدو اعطا می کرد (مجمع الخواص ص ۲۹۲).

ص ۱۵۶ سطر ۱۴ صاحب . . رجوع شود (به مجالس النفايس ص ۷۳، ۱۹۰، ۲۰۷، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۷، ۳۵۸).

ص ۱۵۷ سطر ۱۸ میر محمد مؤمن ... در نسخه چاپی قبل از ترجمه این شاعر شاعری دیگر بنام میر مرادی ثبت است و درباره او چنین آمده است: مدتی در نزد ساکن بود و بعزم حج بیت الله از آنجا حرکت و در تبریز فوت شد این يك شعر از اوست بد گفته:   
گفتم از وصل کنی شادم و آنگاه کشی

این شد ترسم از آن روز که آنهم نشود (ص ۱۴۴).

ص ۱۵۸ سطر ۱۵ فخرالدین اسعد . مقصود فخرالدین گرگانی صاحب منظومه مشهور ویس و رامین و شاعر قرن پنجم هجری است (رجوع شود بتاریخ ادبیات آقای دکتر صفا ج ۲ ص ۳۷۰).

ص ۱۵۸ سطر ۱۶ لامعی . . شرحی را که مؤلف ونیر مرحوم هدایت در باره تلمذ لامعی بر حجة الاسلام غزالی نوشته اند، درست نیست . ابوالحسن بن محمد بن اسماعیل لامعی بکرآبادی دهستانی گرگانی از شعرای اواسط قرن پنجم متولد در حدود ۴۱۲ یا ۴۱۴ هجری است و چنانکه آقای دکتر صفا در تاریخ ادبیات نوشته اند در اشعار وی اثری از وقایع بعد از الب ارسلان (۴۵۵-۴۶۵) دیده نمیشود . هر چند هدایت وفات او را در عهد سنجر نوشته است، اما اشاره تذکره نویسان به تلمذ او بر غزالی باطل است زیرا او هنگام ولادت غزالی (۴۵۰) سی و نود ساله بوده است .

(تاریخ ادبیات دکتر صفا ج ۲ ص ۳۸۸)

ص ۱۶۱ سطر ۵ مسعود سعد بعضی ویرا همدانی دانند . . گویا از آن جهت نیست که گوید:

گر دل بطمع بستم شعراست بضاعت      و ز احمقیی کردم اصل از همدان است  
ولی گویا مقصود از اصل نیاکان اوست و خود وی ظاهراً در لاهور متولد شده اما شهرت جرجانی را مؤلف از کجا برای وی بدست آورده؟ معلوم نشد . و اینکه نوشته

است در اواخر دولت سلطان محمود پیداً گشته بهیچوجه درست. نسبت بلکه اوهم عهد با سلطان مسعود بوده است (رجوع شود به تعلیقات چهارمقاله تألیف آقای دکتر معین ص ۱۱۹) و (تاریخ ادبیات تألیف آقای دکتر صفا ج ۲ ص ۴۸۳).

ص ۱۶۶ سطر ۱۳ مولانا حاجی . . . حزین در تذکره ویرا فراوان ستوده و اشعاری از او ثبت کرده است (تذکره حزین چاپ دوم اصفهان ص ۶۲-۶۳) و رجوع شود به (الذریعه جزء اول از ج ۹ ص ۲۱۹).

ص ۱۶۶ سطر ۲۰ طالب لاهیجانی . . . در لغت نامه دهخدا دو طالب یکی لاهیجی و دیگری گیلانی ضبط است و ظاهراً هر دو یکی است و در تحفه سامی ترجمه شاعری بنام طالب گیلانی دیده میشود که سام میرزا صفوی در باره وی نوشته است: از علوم خصوصاً طب با خراست و از صنایع شعری صاحب وقوف چنانکه در آن فن رساله ای تصنیف کرد (تحفه سامی ص ۵۵) و صادقی در مجمع الخواص نیز ترجمه او را آورده و گوید: گویا در آن ولایت بالاتر از وی شاعری نباشد. . . (ص ۲۸۳ کتاب) اتمی و این طالب جز طالب آملی شاعر معروف قرن یازدهم هجری است.

ص ۱۶۷ سطر افدائی . . . مرحوم هدایت در ریاض العارفین وفات او را بسال ۹۲۷ نوشته است (ص ۳۹۰ کتاب)

ص ۱۶۷ سطر ۱۸ فیاض . . . مولانا عبدالرزاق بن علی بن حسین جیلانی لاهیجی قمی حکیم و متکلم و منطقی و ادیب و از اکابر علمای امامیه و از نزرگان تلامذه صدرالدین شیرازی و داماد اوست و لقب فیاض را نیز از صدر گرفته. بالجمله وی صاحب مؤلفات نیکوئی است که از آن جمله است: حاشیه بر جواهر و أعراض شرح تجرید قوشچی. حاشیه بر شرح اشارات. گهر مراد که بفارسی است و برای شاه عباس ثانی تألیف کرده است. وفات فیاض سال ۱۰۷۲ هجری قمری بوده است. (ریحانه الادب ج ۳ ص ۲۳۳-۲۳۴)

ص ۱۶۷ سطر ۲۳ قاسمی . . . معاصر او صادقی کتابدار در مجمع الخواص از وی نام برده و گوید: نامراد و درویش نهاد است و با مردم آمیزش نمیکند. . . من که سیاحت

کردم در هیچ ولایتی به بلندی قامت او کسی ندیده‌ام . . . (ص ۲۳۷ کتاب) .  
ص ۱۶۸ سطر ۲۵ در سنه . . . مرحوم هدایت وفات او را بسال ۹۴۳ نوشته است (ریاض  
العارفین ص ۴۱۲) سام میرزا در تحفه سامی او را نام برده است (ص ۷۷) .  
ص ۱۶۹ سطر ۱۷ جاوید . . . مؤلف الذریعه وفات او را بسال ۱۰۷۰ ضبط کرده و گوید  
در مزار بابا رکن الدین مدفون است (الذریعه جزء اول از ج ۹ ص ۱۹۰-۱۹۱) .  
ص ۱۶۹ سطر ۱۹ طالب . . . نصر آبادی طبع وی را فراوان ستوده است و گوید در  
اوان شباب از این منزل پر خطر بار را بست (ص ۲۲۳) میر غلامعلی در تذکره سرو آزاد نویسد:  
طالب آهلی برادر خاله حکیم رکن کاشی است جوای معانی بلند است و غواص ثانی  
دلپسند . صائب در باره او گوید :

بطرز تازه قسم یاد می کنم صائب

که جای طالب آمل در اصفهان پیدا است

در رمان شباب به هند آمد چون میرزا غازی وقاری از جانب جهانگیر مأمور  
قندهار گردید طالب نزد وی رفت و مورد لطف او واقع شد و در مدح وی قصیده‌ای طولانی  
دارد . پس از مرگ غازی مدتی نزد عبدالله خان بهادر فیروز جنگ بود . سپس بسال  
۱۰۲۸ از طرف جهانگیر لقب ملك الشعرائی یافت . طالب قصایدی در مدح جهانگیر و  
اعتماد الدوله وزیر و نور جهان بیگم دارد . سپس منصب مہر داری اعتماد الدوله را یافت  
ولی آخر مستعفی گشت و قطعه اعتذاری در این باره بنظم آورده است .  
طالب در عین جوانی بسال ۱۰۳۶ يك سال بیش از فوت جهانگیر در گذشت (سرو  
آزاد ص ۴۳-۴۷) .

ص ۱۷۰ سطر ۲ قمری سراج الدین . . . شرحی که مؤلف بیرامون زندگانی قمری  
نوشته بغایت مشوش است . حمد الله مستوفی از ساعری بنام سراج قمری نام میبرد  
و چنین نویسد : سراج قمری در فسقیات غلوی تمام کرده بود در آن معنی گفتند :  
می میخورم و هر که چومن اهل بود می خوردن من بنزد او سهل بود

می خوردن ایزد بازل می دانست  
گر می نخورم علم خدا جهل بود  
(تاریخ گزیده چاپ گراوری ص ۸۱۹).

در تذکره دولت شاه سمرقندی شرحی را که مؤلف بنام او نوشته و قطعاً از همان  
تذکره نقل کرده بطور مبسوط ثبت است. مؤلف تذکره صبح گلشن نویسد:

سید سراج الدین قزوینی که در بعض مقاطع قهری تخلص میآورد، ازنی کلک همه  
فند و شکر میبارد و برای کسب شرف زیارت روضه مطهره سراج المرسلین صلوات الله  
علیه و علی آله و صحبه اجمعین سوی حجاز رانده و قصیدهای که در اثنای این سفر  
بمدح آن سرور نظم کرده بود بمواجهه ضریح اطهر خوانده دو شعر اول و یک شعر  
آخرش اینست:

آخر از فضل جناب نامدار مصطفی  
آمدم بعد از مشقت در جوار مصطفی  
لم تکونوا بالغیه الا بشق الانفس  
خواندم و آخر رسیدم در دیار مصطفی  
سال بر تاریخ خا و کاف و حابا آن (آ؟) بهم  
شد تمام این خوش قصیده بر مزار مصطفی

از اینجا ظاهر میشود که وی اوائل سبعمائه بوده چه عجب که عمرش بدرازی  
کشیده باشد و بملازمت سلطان ابوسعید خان بهادر و مناظرات سلمان ساوجی و عبید  
زاکانی که در پایان سبعمائه بودند رسیده باشد (تذکره صبح گلشن ص ۲۰۱).

ص ۱۷۴ سطر ۱ بهائی ... (وفات ۱۰۳۱ هـ)

ص ۱۷۵ سطر ۴ جمال الدین ... مؤلف باشتباه نام او را عبدالرزاق نوشته است.  
نام وی محمد فرزند عبد الرزاق و ملقب به جمال الدین است. وفات او را بسال ۵۸۸  
نوشته اند.

ص ۱۷۹ سطر ۷ از قریه جزر .. صحیح آن جزاست.

ص ۱۸۰ سطر ۲ حانمی. در نسخه چاپی پس از ترجمه حسابی شاعر دیگری نیز بنام  
حلمی ثبت است مؤلف درباره وی گوید:

از اهل آن ولایت است سوای این از حالش اطلاعی حاصل نشد. از اوست؛

نخواهم سایه اقتدر زمین از نخل بالایش  
 که پندارم زیبا افتاده‌ای افتاده در پایش  
 بارها گفتم بخود کز دل غمش بیرون کنم  
 دل نمی‌خواهد که باشد بی غم او چون کنم  
 ص ۱۸۰ سطر ۲ حاتمی ... در نسخه چایی خاتمی ضبط است و مؤلف الذریعه نیز  
 باتکاء نسخه چایی او را خاتمی نوشته .

ص ۱۸۰ سطر ۴ و شعر را هم در آنوقت ... در طلوع نشاء تریاک شعر میگفته...  
 (نسخه چایی هند) . شاید : در طلوع نشاء تریاک خلق خوشی بهم میرسانیده و شعر  
 را هم در آنوقت نیکو میسروده

ص ۱۸۱ سطر ۱۱ رفیع الدین لبنانی ... نام این قریه لبنان است بتقدیم نون بر باء  
 در نام این شاعر اختلاف است بعضی او را رفیع الدین مسعود نوشته‌اند و بعضی تیز رفیع الدین  
 و بعضی عبدالعزیز مسعود .

۱۸۲ سطر ۴ سپهری ... صادقی کتابدار و یراسپهری زوارجی ثبت کرده و نویسد:  
 گویند بد آدمی نیست طبعش خیلی ملایم است و این ایات از اوست :  
 ندانم آنکه بدر گاه کعبه روی نهاد  
 بعدر خواهی آن خاک آستانه چه کرد؟  
 جمال شاهد معنی بغیر صورت او نیست  
 چو روی گل که بغیر از تهاب هیچ نباشد  
 شرمنده ای دلم که طلبمی کند ز من  
 مهر و محبتی که ز آب و گل تو نیست  
 (مجمع الخواص ص ۲۵۶)

ص ۱۸۲ سطر ۲ سعد . در نسخه چایی سعد آمده است و در تذکره صبح گلشن  
 سعدی ثبت شده . نصر آبادی او را سعیدای اردستانی نوشته و ۱۴ بیت از تصیده‌ای را  
 که شاعر در مدح شاه عباس سروده است و یک بیت آن در متن این کتب ثبت است ذکر  
 کرده (تذکره نصر آبادی ص ۲۸۳) .

ص ۱۸۲ سطر ۱۷ شرف الدین ... قبل از ترجمه این شعر در نسخه چایی شعر  
 دیگری ثبت است بنام شجاع الدین محمود و مؤلف در برهه وی نویسد : از اعظام سادات  
 دار السلطنه مزبور و برادرزاده خلیفه اسدالله متولی مشهد مقدس رضا، از

نیست اشکم گر چهمی بینند در رویش بسی      گانچه من می بینم از رویش نمی بیند کسی

۱۸۱ سطر ۱۷ شرف الدین شفروه ... آقای دکتر صفا در تاریخ ادبیات در ایران  
نوشته اند: شرف الدین از اهل شفروه اصفهان و از شاعران اواخر قرن ششم بود ...  
(تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۷۴) آقای سعید نفیسی در تعلیقات مر لباب الالباب فصلی  
مشبع درباره خاندان شفروه نوشته اند و نتیجه تبعات ایشان این است که شفروه نام  
مکان نیست و بلکه نام یکی از اجداد این خاندان است و کلمه ای است مرکب از  
(شرف بفتح شین و پسوند به) بمعنی خوب (لباب الالباب تصحیح نفیسی ص ۶۳۹-۶۴۹)  
ص ۱۸۲ سطر ۱۷ لبنانی ... لبنان است بتقدیم تون بر باء جنانکه گذشت  
ص ۱۸۳ سطر ۶ شفقائی ... ترجمه احوال او در مجمع الخواص (ص ۲۰۴) آمده  
است و مرحوم هدایت در ریاض العارفين ویرا بهمین نام (شرف الدین حسن) ذکر کرده  
و گوید: میر داماد او را تمجید نمود و جامع کمالات صوری و معنوی و حاوی حکمت  
علمی و عملی و از عالم توحید و تجرید بهره داشته و مثنوی به بحر حدیقه موسوم  
بنمکدان حقیقت، دارد ... سپس ایاتی متفرق و نیز آیات بسیاری از مثنوی او آورده  
(ص ۳۶۶-۳۷۴ کتاب)

ص ۱۸۵ سطر ۱ ضمیری ... سام میرزا صفوی درباره وی نویسد: جوانی بغایت  
درمند و بی قیداست و بسی فضیلت دارد از جمله در نجوم و رمی بی نظیر است و در دقت ذهن  
و وحدت طبع و فهم از بی بدلان و طبعش در اسالیب سخن حسان ... (ص ۱۲۴)

ص ۱۸۵ سطر ۵ ممتة الاخبار ... حسنة الاخبار  
ص ۱۸۵ سطر ۶ آنچه تسع کس نکرده ... آنچه تسع شده هفت دیوان است ...  
(نسخه چاپی)

ص ۱۸۵ سطر ۲ العهدة علی الروایا ... علی الراوی  
ص ۱۸۷ سطر ۱۳ ظهیر الدین ... عوفی در لباب الالباب نویسد: الامیر الامام العالم  
ظهیر الدین عبدالله بن شفروه پسر عم شرف الدین که افضل زمان و اکمل دوران بود ...  
(لباب الالباب تصحیح آقای نفیسی ص ۲۲۵-۲۲۶) و مرحوم هدایت نیز در ریاض العارفين

ترجمه او را ظاهراً از همین مأخذ نقل کرده است. (ص ۱۷۰-۱۷۱) غزلی از وی در باب الالباب و رباعیاتی از وی در ریاض العارفین ثبت است.

ص ۱۷ سطر ۲۱ فسحتی... در چاپ هند فسیحی و در نصر آبادی ما (فتوحی آمده است (ص ۲۷۶).

ص ۱۸۲ سطر ۲۳ فریدالدین احوال... فریدالدین احوال اسفرائینی شاعر معروف قرن هفتم است، وی بیشتر عمر خود را در اصفهان و سپس در شیراز در دربار اتابکان فارس گذرانید و قسمتی از پایان عمر او مصادف با جوانی سعدی بود و مداح خاص اتابک عضد الدین سعد بن زنگی (۵۹۱-۶۲۳) و پسرش فخرالدین ابوبکر (۶۲۳-۶۵۸) و پسر دیگرش محمد بن سعد (۶۵۸-۶۶۰) و آتش خاتون (۶۶۲-۶۸۶) ملکه معروف این خاندان بود و بدین گونه قطعاً تا جلوس آتش خاتون در ۶۶۲ زنده بوده چنانکه با امامی هروی شاعر معروف همین زمان نیز معاصر بوده و معارصه میکرده است و نیز قصیده‌ای در ستایش شمس الدین محمد صاحب دیوان جوینی وزیر معروف سروده... (تعلیقات آقای نفیسی بر لباب الباب ص ۲۶۳).

اما کلمه سلاطین ساعدیه که مؤلف در متن آورده است مسلماً خطاست و ظاهراً مقصود وی اتابکان ساغری است که شاعر مدتی در دربار آنان میزیستند.

ص ۱۹۰ سطر ۵ میرزا ابوالقاسم کاملی.. کابلی

ص ۱۹۰ سطر ۲۳ عملاً قریب... شرحی که مؤلف درباره قتل کمال الدین آورده است عیناً ماخوذ از دولت‌شاه سمرقندی است و ظاهراً اصلی ندارد

ص ۲۱۲ سطر ۱۶ سیری جرفارقانی... نصر آبادی نویسد وی در آخر عمر سفر حج کرده و در راه حج مرد (ص ۲۶۹).

ص ۲۱۳ سطر ۱ نجیب الدین جرفارقانی... در تذکره ها نامی از این هردیست گمان می‌کند وی همان نجیبی فرغانی است که در چهار مقاله در ذکر شعرای آن سلجوق نام او آمده است.

ص ۲۱۳ سطر ۱۸ آقا حسین خوانساری فرزند جمال الدین محمد از اکابر علمای

امامیه و آخر قرن یازدهم، اصولی، رجالی، حکیم، متکلم، محقق و  
است که از آجمله تاریخ و فیات الاماء. الجبر و الاختیار. الجزء الذی لایتهجری. حاشیه  
شرح اشارات و شرح تجرید و شرح لمعدومها کلمات قطب الدین رازی و شرح هیئت قوشچی  
و مشارق الشموس و تالیفات دیگر است.

وفات وی در سال ۱۰۹۸ یا ۱۰۹۹ در سن هشتاد و دو سالگی واقع شد و در تخت یولاد  
اصفهان مدفونست وی پدر آقا جمال معروف و آقارضی الدین است. ماده تاریخ فوت او را  
(ادخل جنتی. و امروز هم ملائکه گفتند یا حسین = ۱۰۹۸) و با (ادخل جناتی -  
۱۰۹۹) گفته اند. شاه سلیمان صفوی بر قبر او قبضه ای بنا کرد (ریحانة الادب ج ۳ ص  
۴۸۷-۴۸۸)

ص ۲۱۳ سطر ۵۲۴ زلالی. برون در تاریخ ادبیات (ج ۴ ص ۱۶۷) وفات او را بسال ۱۰۲۴  
نوشته ولی دزسر و آزاد این سال را تاریخ اختتام مثنوی محمود ایاز او دانسته است و  
گوید فوت او بسال ۱۰۳۱ بود و ماده تاریخ او را (از جهان رفت زلالی بجنان) ثبت  
کرده است (ص ۴۳).

ص ۲۱۳ سطر ۲۴ اما صحت و سقم... اما بصحت و سقم، مربوط و متوجه  
بوده...

ص ۲۱۸ سطر ۵ کمال الدین بیدار... در نسخه چاپی نیز بیدار آمده و خطا است صحیح  
آن بیدار بضم باء است و بیدار نیز نوشته اند  
در اینکه بیدار اشعاری به لهجه محلی داشته اشکالی نیست. اما شعری از او بزبان  
فارسی دری موجود نیست.

هدایت وفات او را در سال ۲۰۱ نوشته است رجوع شود به تعلیقات چهارمقاله  
تالیف آقای دکتر معین ص ۱۴۳)

مرحوم دهخدا در امثال و حکم نیز رباعی و قطعه ای را که در متن کتاب آمده بنام بیدار  
ثبت کرده است (ص ۱۵۰ و ۱۲۹) حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده نویسد: دیوان او مشهور  
است (ص ۸۱۶)

۲۱۸ سطر ۱۰ خلقی ... این خلقی چنانکه معاصروى سام میرزاى صفوى نوشته  
 از مردم خراسان است و روز چهارشنبه ماه رجب سال ۹۲۷ باه را میر خان حاکم خراسان بقتل  
 رسیده است (تحفه سامی ص ۲۳) ظاهر مؤلف او را با خلقی طهرانی اشتباه کرده است . نام  
 خلقی تهرانی میرزا علی است و سام میرزا درباره وی نویسد : بمهمات دیوانی تردد یفایده  
 میکند (تحفه سامی ص ۱۵۸) .

ص ۲۱۸ سطر ۱۶ سایل . سام میرزا صفوی در تحفه سامی وفات او را سال ۹۵۰  
 نوشته است (ص ۱۲۲)

ص ۲۲۰ سطر ۱۰ عمادی شهر یاری . . عوفی ویرا بنام عماد الدین الغزنوی ضبط  
 کرده است ولی ظاهراً عمادی لقب اوست ، از جهت انتساب شاعر به عماد الدوله  
 فرامرزی . شهر یار مازندران . همچنانکه بعید نیست نسبت شاعر به شهر یاری نیز بدین  
 سبب باشد (سخن و سخنوران ج ۲ ص ۱۶۶) .

بهر حال در نام و مولد شاعر اختلاف است . آقای نفیسی در تعلیقات لباب الالباب چنین  
 نوشته اند : عماد الدین الغزنوی . . . وی همان شاعر معروفی است که بیشتر بنام عمادی  
 شهر یاری مشهور است و از مشاهیر شاعران اواسط قرن ششم بوده است . چنان مینماید  
 که وی اصلاً از مردم غزنین بوده و حتی برخی از تذکره نویسان وی را پسر عثمان  
 مختاری غزنوی متوفی در ۵۳۴ یا ۵۴۴ دانسته اند . مؤلف خلاصه الاشعار گفته است که از  
 مردم غزند بود اما در اوایل حال بواسطه . ناهل درزی متوطن گشته و اینها به عمادی شهر یاری  
 معروف شده است . (ص ۷۲۲) . آقای نفیسی بنقل از خلاصه الاشعار وفات ویرا سال ۵۹۳  
 در قریه شهر یاز از توابع ری نوشته و گویند سال وفات او را ۵۸۲ هم ضبط کرده اند . (ص ۷۲۵  
 لباب الالباب) آقای دکتر صفا بنقل از تشکله آذر چاپ هند نویسد که مؤلف وفات او را  
 را ۵۸۲ نوشته است . در نسخه چاپ هند که در اختیار بنده است نرسد در سنه ۱۸۲ (۴)  
 وفات نمود و در متن هم چنانکه می بینیم ذکرى از تاریخ وفات شاعر نیست و نیز آقای  
 دکتر صفا بنقل از تذکره تقی الدین کاشی آورده اند که : وی سال ۵۷۳ را سال وفات شاعر  
 دانسته است ولی تاریخ اخیر مسلماً درست نیست . برای شرح حال عمادی رجوع شود

به (سخن و سخنوران تألیف آقای فروزانفر و تاریخ ادبیات دکتر صفا ج ۲ ص ۷۴۳-۷۵۰  
باب الالباب تصحیح آقای نفیسی ص ۷۲۲-۷۲۸) .

ص ۲۲۰ سطر ۱۱ و عمادی دیگر در قزوین نوشته‌اند هر دو یکی است . . . در نسخه  
چاپی چنین آمده است و عمادی دیگر در غزنین نوشته‌اند گویا هر دو یکی باشد و درازمنه  
مختلفه در آن هر دو جا بود .

ص ۲۲۰ سطر ۲۵ غضایری . . . ابوزید محمد بن علی غضایری از شعرای بزرگی  
عراق و مداح امرای دیلمی ری و محمود غزنوی است. نسبت ویرا غضایری نیز نوشته‌اند  
و آن اصح است چنانکه منوچهری گفته است :

با من ز مدحت ارجوکان فروجا باشد      کز فر شاه ماضی بوده است باغضایری  
و غضاره گل است که بدان سفال سازند . مرحوم هدایت وفات او را بسال ۴۲۶  
نوشته است (از تاریخ ادبیات دکتر صفا ج ۱ ص ۵۷۳) .

ص ۲۲۱ سطر ۲۲ امام فخر . . . ترجمه احوال امام فخر در نسخه چاپی بغایت  
مغشوش است . و بس از ذکر امام فخر چنین توید - و هو ابو عبدالله مجتهد بحسینی  
القرشی البکری در سنه ۵۵۶ متولد شد و در سنه . . . از عالم رفت .

کنیه امام ابو عبدالله و ابن الخطیب و ابن خطیب الری و لقب وی فخرالدین و  
مشهور به فخر رازی و امام فخر و امام رازی و نسبت وی تمیمی بکری است و اما نام او  
چنین است . محمد بن عمر بن حسین بن حسن . ولادت وی در ری و مدفون او در هرات  
و اصل او از طبرستان و قرشی النسب است . در علوم ادبی و ریاضی و حکمت و کلام  
مقامی ارجمند دارد . و از کثرت تعمق در مسائل فلسفی و کتب یونانی و ایراد و اشکال  
بر مطالب علمای سلف او را امام المشککین می گفتند .

وفات او را در سال ۶۰۶ در سن ۶۲ سالگی نوشته‌اند بنا بر این تولد او در سال  
۵۴۴ بوده است .

ص ۲۲۱ سطر ۲۳ اما چون در شب وفات او خواجه نصیر المله و الدین متولد . . .  
در اینمورد عبارت نسخه چاپی مغشوش و مغایط است و چنین ثبت شده است .

اما چون معاصر افضل الفضل خواجده نصیر محمد قمی مشهور بطوسی بود آخر فضیلتش در مقابل آفتاب دانش آن خواجده روشن ضمیری نوره مانده . . . مغلوط بودن این عبارت نیازی بتوضیح ندارد زیرا چنانکه نوشتیم مرگ امام بسال ۶۰۶ بوده و تولد خواجده را بسال ۵۹۵ یا ۵۹۷ دانسته اند. بنابراین عبارت (آخر فضیلتش در مقابل آفتاب دانش) موردی ندارد. اما عبارت متن نیز خالی از اشتباه نیست زیرا ولادت خواجده یازده سال یا نه سال پیش از مرگ امام.

ص ۲۲ سطر ۱۵ شیخ نجم الدین . . . عبدالله ابن محمد بن شاه اوراسدی رازی مکنی بابی بکر و معروف به نجم الدین در فتنه مغولان از ری بخراسان و بسال ۶۱۸ از همدان باز دیل رفت و از آنجا با سیای صغیر شد و بقیساریه و سپس ملاطیه رفت و کتاب مرصاد العباد را بسال ۶۲۰ در سیواس بیان رسانید. سپس از آسیای صغیر به بغداد رفت و بسال ۶۴۵ بدانجا در گذشت. (سبک شناسی ج ۳ ص ۲۰). او بحر الحقایق را حاج خلیفه بحر الحقایق والمعانی فی تفسیر السبع المثانی ضبط کرده (کشف الصنون). ص ۲۳۳ سطر ۳ تنی باشد آن پیش زوی تویی سر . . . تنی باشد آن پیش قد تو بی سر. (ن ۱)

ص ۲۲۳ سطر ۲ ساوه در نسخه حبابی قبل از شعرای ساوه ذکر شعرای سمنان شام رکن الدین صابن و شاه علاء الدوله و یمینی آمده است. لیکن ترجمه این شاعر در ص ۱۲ این کتاب و در صفحه ۷۰ نسخه حبابی آمده است و در اینجا مکرر است. ص ۲۲۳ سطر ۱۸ در سنه . . . بسال ۷۷۸ در گذشته است.

ص ۲۲۶ سطر ۹ سوزی . . . مؤلف هدیه العارفین وفات او را بسال ۱۰۱۲ دانسته است (ح ۱ ستون ۲۹۱) و بعضی ۱۰۰۲ نوشته اند.

ص ۲۲۷ سطر ۲۵ رجوع کنید به ریاض العارفین ص ۲۶۹

ص ۲۲۸ سطر ۲ معرب کروین است . . . این وجد اشتیاق عهده بنظر

سد . آقای پور داود احتمال داده‌اند این کلمه با کسپین که در زبانهای اروپایی  
نام بحر خزر است ارتباط داد (فرهنگ ایران باستان ص ۲۹۱) .

ص ۲۲۸ - سطر ۸ - فستق

ص ۲۲۸ سطر ۱۰ ابو عمر ابهری . . . خواند میر در دستور الوزرا ویرا یاد  
کرده و نویسد : بطهارت اصل و نسب و وفور فضل و ادب و حسن نیت و صدق عقیدت  
و کمال رسوخ برجاده زهد و عبادت موصوف و مشهور بود . . . چون کمال‌الدین ابوشجاع  
وقات یافت سلطان ارسلان بتکالیف تمام او را برمسند وزارت نشاند و بعد از فوت سلطان  
ارسلان پسرش سلطان طغرل نیز آن منصب را بوی‌هسلم داشت و چون هرج و مرج  
بملك سلطان طغرل راه یافت ابو عمر ازاعدا توهم نمود و محاسن را تراشید و در لباس  
اهل تصوف بطرف عربستان شتافت و در بوادی حجاز این رباعی در سلك نظم انتظام داده  
با بھر فرستاد .

بیچاره دلم . . . (دستور الوزرا، ص ۲۱۹-۲۲۰)

ص ۲۲۸ سطر ۱۳ میرزا احمد . . . معاصری سام میرزا صفوی در تحفه سامی  
اودا نام برده و نویسد: خوش طبعان عراق و خراسان چون خواحد محمد اصغر و خواجد  
محمدود بط در سلسله اوبلونندی اشتغال داشتند . . . (تحفه سامی ص ۵۸)

ص ۲۲۸ سطر ۱۸ ادهم بیك . . . نصر آبادی در تذکره ادهم بیك بن  
شاهقلی بیك قزوینی را نام برده و گوید : اجدادشان در دولت بادشاهان صفوی مقرب  
بوده‌اند و اشعاری از وی نوشته است (ص ۵۸) . و نیز مؤلف تذکره صبح گلشن ادهم -  
بیك قزوینی دیگری را نام برده و گوید در فن موسیقی استاد بود و از ایران بهندرفت  
ت همایون پادشاه در آمد (ص ۲۲) کتاب و معلوم نیست احمد بیك که مؤلف  
نام برده است یکی از این دو شاعر است یا شخص دیگریست .

ص ۲۲۹ سطر ۴ نذروی . . . مؤلف الذریعه نویسد : وی باستانبول رفت و بناچار  
تقرب یافت سپس بهندوستان قزدا کبر شاه شد و مورد عنایت او واقع گشت و بهندوستان  
بسال ۹۷۵ بدست دزدان بقتل رسید و در استرآباد مدفونست . او راست جواب دهنامه

ابن عماد . مثنوی حسن یوسف (الذریعه جزء اول از ج ۹ ص ۱۶۸).

ص ۲۲۹ سطر ۱۵ حاجی بیرک . . . . حاجی بیگ است نه حاجی بیرک مؤلف صبح گلشن او را از شاعران شاه عباس دانسته است . ص ۱۶۲ کتاب ) .

ص ۲۳۲ سطر ۱۸ سهروردی ... شهاب الدین عمر بن محمد بن عبدالله بن محمد قرشی مکنی بابی حفص پیشوای طریقت سهروردیه . تولدوی در سهرورد و منشاء او بغداد است و بدانجا در گذشت .

نسب او بابی بکر صدیق می بیوندد . سالها در سهرورد و بغداد بوعظ و ارشاد اشتغال داشت او را مؤلفاتی است ، از آن جمله : اعلام الهدی و عقیده اهل التقی - التاویحات فی المنطق جذب القلوب الی مواصلة المحبوب . رشف المصایح الایمانید و کشف الفضایح الیونانید - عوارف المعارف ولادت او سال ۵۴۷ در سهرورد و وفات او سال ۶۲۳ ( رهبر اکبر ) و یا ۶۳۰ و یا ۶۳۲ ( امام متقی ) است ( زیحانہ الادب ج ۲ ص ۲۲۵ ) .

ص ۲۳۳ سطر ۲ از اعمال قزوین که معدن زاج است .. ظاهرا این توهم برای مؤلف از لغت زاکان دست داده است و آنرا باز اچکان یکی زانستد ، در صورتیکه تصریح حمدالله مستوفی صاحب تاریخ گزیده زاکانیان که عید منسوب بدانهاست تیره ای هستند از عرب بنی خفاجه که بمهاجرت بقزوین آمده و در آن شهر ساکن شده اند وفات عبید را ۲۲۱ یا ۲۲۲ نوشته اند ( از مقدمه کلیات عبید زاکانی بقام مرحوم عباس اقبال ) .

ص ۲۳۲ سطر ۱۲ عالم فانی را وداع کرده ... وفات وی در حدود سال ۱۲۰ هجری است . از مؤلفات اوست : خلوت راز . دیوان شعر . راز و نیاز . ساغر سرشار . عشق و معشوق . فتح آمد . رجوع شود به ( فهرست کتابخانه مدرسه سبزه سار و ریحانه ادب ) . ص ۲۳۵ سطر ۳ امیر اصلی ... در نسخه چینی امیر اصلی آمده است .

ص ۲۳۵ سطر ۵ انصاری . . . مؤلف الذریعه ویرا از شاعران معاصر آق قویونلو

دانستند و از تذکره صبح روشن آرد که بسال ۱۹۵ در گذشت (جزء اول از ج ۹ ص ۱۰۸).

ص ۲۳۵ سطر ۷ جلال جعفر... وی سید جلال الدین جعفر فر اهانی همدانی متوفی بسال ۲۳۶ است (فهرست کتابخانه مشکوة ج ۲ ص ۴۲)

ص ۲۳۵ سطر ۱۳ میر حضوری .. صادقی کتابداره معاصروی از او نام برده (مجمع - الخواص ص ۷۶) و مؤلف الذریعه وفات او را بسال ۱۰۰۰ ثبت کرده است (جزء اول از ج ۹ ص ۲۵۷).

ص ۲۳۶ سطر ۲۵ حکیم سعید خان ... میرزا محمد سعید بن حکیم محمد باقر قمی طبیبی حاذق بود. وی با برادرش محمد حسین پزشک دربار شاه عباس ثانی بودند. سبب سعید مورد خشم سلطان واقع شد و در قلعه الموت زندانی گشت ترجمه احوال او در تذکره نصر آبادی (ص ۱۶۷) و امتحان الفضل (ج ۲ ص ۱۲۲) و تذکره صبح روشن (ص ۲۹۳) و الذریعه (جزء دوم از ج ۹) آمده است.

ص ۲۳۷ سطر ۱۱ و در سنه ... در نسخه چاپی سنه ۹۰۳ ضبط است.

ص ۲۳۷ سطر ۱۹ در کبی... معاصر نصر آبادی است و مؤلف ویرا دیده است (تذکره نصر آبادی ص ۲۶۷).

ص ۲۳۹ سطر ۱۵ و هم در آنجا در سنه... مؤلف الذریعه وفات او را ۹۵۲ یا ۹۵۶ نقل کرده است (جزء ۲ از ج ۹ ص ۵۰۰).

ص ۲۴۳ سطر ۲۰ بعد از آنکه در سنه... در بعضی نسخ ۵۸۹ ثبت است ولی ظاهراً وی پس از سال ۶۰۰ در گذشته است، در حدود ۶۱۴ یا ۶۱۹.  
(از تاریخ ادبیات در کترو صفا ج ۲ ص ۸۰۱).

ص ۲۴۳ سطر ۲۴ و مثنوی حکایت ویس و رامین... این مثنوی از فخرالدین اسعد گرگانی است نه از نظامی عروضی و نه از نظامی گنجوی.

ص ۲۴۶ سطر ۶ ادهم معاصروی سام میرزا صفوی ویرا از شعرای مشهور کاشان

دانسته است (ص ۱۳۵ تحفه سامی)

ص ۲۴۷ سطر ۲۳ باقر . . . وی از نظویان و پیرو محمود پسیخانی بوده است  
بسال ۱۰۰۲ در زمرة دستگیر شدگان درآمد. لیکن مدعی شد که اوشیفته یکی از مریدان  
محمود است نه از پیروان وی و شاه عباس او را بخشید و بسال ۱۰۳۷ بدکن در گذشت  
(الذریعه جزء اول از ج ۹ ص ۱۲۲).

ص ۲۴۸ سطر ۲ تجلی . . . مؤلف تذکرة حسینی نام او را ملاعلی نوشته و در  
صبح گلشن او را محمد حسین کاشانی دانسته و نویسد: وی بد گجرات رفت و سال ۱۰۵۱  
در گذشت (الذریعه جزء اول از ج ۹ ص ۱۶۸).

ص ۲۴۸ سطر ۶ تشبیهی . . . مؤلف صبح گلشن احتمال داده است که وی  
همان تسلیمی است که در سابق ذکر او رفت (ص ۱۳۳).

ص ۲۴۸ سطر ۱۱ و اسمش هیبت الله . . . در نسخه چاپی است . و اسمش هدایت الله  
و شغلش سمساری در اوائل حال هدایت تخلص میکرده . . . معاصر وی صادقی کتابدار  
از او نام برده و شعر او را در کتاب خود آورده است (مجمع الخواص ص ۱۸۸-۱۸۹).

ص ۲۴۸ سطر ۱۵ میرحسینی طباطبائی . . . ظاهراً وی همان است که در تحفه  
سامی بنام مولانا حسینی آمده و وفات او را بسال ۹۴۱ در کاشان نوشته است (ص ۱۳۳  
کتاب).

ص ۲۴۹ سطر ۶ داوری . . . معاصر نصر آبادی است و او در تذکرة خود از وی نام  
برده است .

ص ۲۴۹ سطر ۱۰ زهنی . . . نام وی میرحیدر است و او را از شعری ابراهیم  
عادلشاه کنی دانسته اند رجوع شود به فهرست کتابخانه دانشگاه ج ۲ ص ۲۸۵. الذریعه  
جزء ۲ از ج ۹ ص ۳۴۳).

ص ۲۴۹ سطر ۱۳ رضائی . . . صادقی کتابدار در مجمع الخواص او را نام برده و شعر  
ویرا ثبت کرده است (ص ۳۱۰). مؤلف سفینه خوشگو آرد: که وی در خراسان بدست  
توران بقتل رسید . در صبح گلشن نویسد: وی در فتنه عبدالله خان ازبک در ۹۸۰ در

خراسان کشته شد . (الذریعه جزء ۲ از ج ۹ ص ۳۶۹-۳۷۰) .

ص ۲۴۹ سطر ۱۷ رمزی... بنقل نصر آبادی در تذکره، نام او محمد هادی و پدر وی حاج حبیب الله است و در حین تألیف این کتاب (۱۰۸۳) زنده بوده است (تذکره نصر آبادی ص ۳۷۳).

ص ۲۴۹ سطر ۱۹ رفیعی... میر رفیع الدین حیدر طباطبائی معنائی کاشانی وی بسال ۹۹۹ بهند رفت و نزد اکبر شاه هکانت یافت، سپس به جاز شد و در راه دزدان اموال او بر بودند و فات او را بسال ۱۰۲۵ در کاشان نوشته اند (الذریعه جزء ۲ از ج ۹ ص ۳۸۰).

ص ۲۴۹ سطر ۲۰ آخر الامر در کاشان اجل... دیر اجل تاریخ وفاتش...

ص ۲۵۰ سطر ۱۷ سرمد... قتل وی بنقل مؤلف مرآت الخیال بسال ۱۰۷۲ بوده است. مؤلف ریحانة الادب از خزینة الاصفیا سال ۱۰۷۰ نوشته است.

ص ۲۵۰ سطر ۲۱ سنجر... چون بدروی بسال ۹۹۹ بهند رفت محمد هاشم نیز با او بسفر شد و این هنگام بیست ساله بود و در آنجا نزد اکبر شاه منزلت یافت سپس نزد عادل شاه شد. آنگاه شاه عباس او را باصفهان خواند. لیکن در همان اوان به بیماری اسهال سال ۱۰۲۱ بسن ۴۱ سالگی در گذشت (الذریعه جزء ۲ از ج ۹ ص ۴۷۲-۴۷۳).

ص ۲۵۱ سطر ۳ شجاع... میر حیدر کاشی او را نا گفته و ماده تاریخ مرگ وی را (بلبل بوستان کاشان - ۹۸۷) سروده (تذکره نصر آبادی ص ۴۷۶).

ص ۲۵۱ سطر ۱۵ شعر ناف... تخلص او شعوری است. نصر آبادی نویسد: قصاید و غزلیاتش قریب شش هزار بیت است. (ص ۲۹۵ کتاب) و در صبح گلشن او را شاگرد محترم دانستند است (ص ۲۲۴).

ص ۲۵۱ سطر ۲۰ عزالدین محمود... در نسخه چاپی شرح حال و اشعاری که در این نسخه بنام عزالدین است در ذیل نام عشقی که در همین صفحه در سطر ۲۲ ثبت است آمده و شرح و حالی که در متن حاضر بنام عشقی است دنبال نام عزالدین محمود درج شده. ولی بدون شك متن حاضر درست است. زیرا در این متن شرح طائیه (بغلط نامیه آمده)

ابن فارض منسوب بدعزالدین است و آن صحیح است و معروف و حاج خلیفه در کشف  
الظنون ذیل شرح طائیه این شرح را نیز نام برده و نویسد :

شرح شیخ عزالدین محمود النطنزی الکاشی المتوفی سنه ۷۳۵ اولده الحمد لله الذی  
خلق صحیح الوجود... در تحفه ساهی نام عشقی ثبت است و شعر نخستین سطر ۲۴ نیز بنام  
او درج شده است (ص ۱۵۶ کتاب) .

ص ۲۵۲ سطر ۲ فیض .. کتب و رسائل فیض متجاوز از ۱۲۰ مجلد است و وفات او  
سال ۱۰۹۰ هجریست .

ص ۲۶۰ سطر ۱۵ از بنای همدان بن سام بن نوح ... این وجه تسمیه بی اساس  
است . این واژه در فارسی باستان هگمتان و در اصل بمعنی جای اجتماعات است .  
(از حاشیه برهان قطع) و بانوه نوح ارتباطی ندارد . طولش ۵۸ درجه و ۳۱ دقیقه عرض ۳۴  
درجه و ۴۱ دقیقه و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۸۲۶ متر است .

ص ۲۶۰ سطر ۲۰ امیرالدین اومانی ... مؤلف -ر گذشت و عقاید فلسفی خواجده  
نصیرالدین طوسی (که جزء سلسله انتشارات دانشگاه شماره ۳۰۹ طبع رسیده است)  
وی را از شاگردان خواجده دانسته و باقید احتمال وفات او را بسال ۶۵۶ ثبت کرده است  
(ص ۷۲ کتاب) در لغت نامه دهخدا نویسد : وفات او قول اصح ۶۶۵ است .

ص ۲۶۱ سطر ۱۲ خواجده انائی ... در نسخه چاپی آقائی سقط است . وی خواجده  
آقا میر همدانی معاصر صادقی کتابدار است و صادقی درباره او نویسد : از کابر زادگان  
همدان و صاحب و درباره دوستان فدوی بود . نویسنده باهمت تنها ویرا دیده . نسبت  
باین حقیر علاقه ای داشت ، زیرا اشعاری را که می گفت ابتدا برای من میخواند ...  
(مجمع الخواص ۲۵۲)

ص ۲۶۱ سطر ۲۴ الهی ... سید عمادالدین محمد حسین از سادات اسدآباد معاصر

شاه عباس اول است و بسال ۱۰۶۳ در کشمیر در گذشت . رجوع شوده به (تذکره نصر آبادی ص ۲۵۵ . مقدمه مجالس النفاذ ص کج . الذریعه جزء اول از ج ۹ ص ۹۳).

ص ۲۶۲ سطر ۲ انوار . . . سام میرزا صفوی در تحفه (ص ۱۳۵) از وی نام برده و پیدا است که مؤلف نیز ترجمه شاعر را از آن کتاب اخذ کرده ، زیرا وی نویسد خالی از مولویتی نیست اما در میان شعرا بکعبوت (!؟) مشهور است اثنهی . و مؤلف صبح روشن نویسد : وی بسال ۹۳۳ در گذشت (تذکره صبح روشن ص ۸۰) و رجوع به الذریعه

اول از ج ۹ ص ۱۰۹ سود

ص ۲۶۲ سطر ۲ زمی . . . وی فرزند میرا بوتراب علویست که او نیز شاعر و معاصر صادقی کتابدار بود است (مجمع الخواص ص ۸۰) . درباره زمی ، مؤلف مجمع الخواص نویسد : میرزهی همدانی پس میرا بوتراب . . . سیدی صحیح النسب است و در معاشرت و رفاقت ظاهرش از باطنش بهتر است . . (ص ۸۷ کتاب) . و رجوع شود به (الذریعه جزء اول از ج ۹ ص ۱۳۵) .

ص ۲۶۲ سطر ۶ رشکی . . . صادقی کتابدار نویسد : از مردمزادگان همدان و پسر حسن دیک لنگ درود آبادیست (مجمع الخواص ص ۱۹۷) . ولی نام ویرا ذکر نکرده است

ص ۲۶۲ سطر ۱۵ خواجه رشیدالدین . . . رشیدالدین فضل الله مؤلف جامع - انوار یح مقتول بسال ۵۷۱۸ .

ص ۲۶۳ سطر ۲ رونقی . . . نصر آبادی در تذکره ویرا نام برده و نویسد بهند رفت و با اختری یزدی مشاعره کرد سپس بعراق شد و دوباره بهند رفت . مؤلف تذکره مبخانه او را بسال ۱۰۲۵ دیده و در آنوقت رونقی ۲۷ سال داشته وقات او را سال ۱۰۲۷ یا ۱۰۳۱ نوشته اند (الذریعه جزء ۲ از ج ۹ ص ۳۹۳) .

ص ۲۶۳ سطر ۱۴ عراقی اسمت شیخ عجزالدین . . . شیخ فخرالدین ابراهیم بن بزرگ مهر بن عبد الغفار جوالمی همدانی متخلص بعراقی متوفی در هشتم ذوالقعدہ سال ۶۸۸ هجری .

ص ۲۶۳ سطر ۲۱ عربان . . . از شاعران اواسط قرن پنجم و معاصر طغرل سلجوقی

است. ولادت او در اواخر قرن چهارم بوده است. مؤلف راحة الصدور داستانی از ورود طغرل بهمدان و ملاقات او با این شاعر آورده است. رجوع شود به (راحة الصدور ص ۹۸-۹۹ و رجوع شود به ریاض المعارفین ص ۱۶۷ و تاریخ ادبیات آقای دکتر صفاج ص ۳۸۳ به بعد).  
ص ۲۶۵ سطر ۱ محوی... وی معاصر صادقی کتابدار است و او در مجمع الخواص (ص ۹۱) ویرا نام برده و نویسد: سید زاده خوبی است و تا حدی طالب علم هم هست. جوانی است عاشق پیشه و بی قید...

ص ۲۶۵ سطر ۱۲ مفرد... نصر آبادی در تذکره نویسد: بسیار خوش طبیعت و بی تکلف بوده... بواسطه جنگی که در همدان بر سر برائی شده باصفهان آمده با او ملاقات و اقمشد محفوظ شدیم. آخر در خدمت عالیجاه آقاخان مقدم بود تا فوت شد... تذکره نصر آبادی ص ۳۲۲).

ص ۲۶۵ سطر ۱۹ میرمهدی... نصر آبادی ویرا میرمحمد مهدی مهرانی ضبط کرده و بیت مذکور در متن را بنام او آورده است (تذکره نصر آبادی ص ۱۲۴).

ص ۲۲۵ سطر ۲۰ نصیرا... نصر آبادی نویسد... در ترتیب انشا سخنانش دلنشین و در تقریر شعر معانی رنگین بخدمت او نرسیده ام اما از عزیزان مسموع شد که قطع نظر از فضیلت بسیار خوش صحبت و شوخ طبیعت بود. خالوی فقیر چون بخدمت عالمی شیخ بهاءالدین محمد ربط داشت نقل می کرد که وقتی شیخ وعده فرمودند که بمنزل فقیر آیند فرمودند که نصیرا را خبر کنید تا مجلس تمکبی بهم رساند. شاعری دون مرتبه اوست... وفاتش بسال ۱۰۳۰ اتفاق افتاد... (تذکره نصر آبادی ص ۱۶۷).

ص ۲۶۵ سطر ۲۳ هلاکی... صادقی کتابدار در مجمع الخواص (ص ۱۷۲-۱۷۳) از وی نام برده و شرحی بهمین مضمون که در متن دیده میشود درباره احوال وی نوشته است و پیدا است که مأخذ مؤلف نوشته صادقی است

سام میرزا صفوی نویسد: هلاکی همدانی، پدرش خیاط بوده اما چون دراز قابلیت را بخلعت استعداد و کسوت رشد و رشاد آراسته اند، لاجرم سر رشته قبول بچنگ آورده و در ذیل اهل فضل آریخت و بسوزن جد و جهد و صله تفاخر بر خرقة آمد

خود دوخت و دست طلب از دامان نااهلان گسیخت. . . در قابلیت اوستخنی ثبت سخن در آنست که بی مری است . اگر او را مری بودی گوی تفوق از بسیاری ربودی . خداهش خیر داد که بمحض سعی خود را بدینمر تبه رسانید . . . (تحفه سامی ص ۱۲۷-۱۲۸) .

ص ۲۶۹ سطر ۶ اختری . . . وی معاصر شاه عباس اول بوده است . رجوع شود به (الذریعه جزء اول از ج ۹ ص ۶۱-۶۲) .

ص ۲۶۶ سطر ۸ ادائی . . . وفات وی را بسال ۱۰۳۰ نوشته اند ، رجوع شود به ریاض العارفین ، تذکره سرو آزاد . تاریخ یزد تألیف آیتی (الذریعه جزء اول از ج ۹ ص ۶۳) .

ص ۲۶۶ سطر ۱۶ امتیاز . . . وی امیناست نه امتیاز ، چنانکه در نسخه چاپی نیز امینا ثبت است . نصر آبادی در تذکره (ص ۱۹۹ و ۳۸۰) ویرا نام برده است .

ص ۲۶۷ سطر ۴ مبر حزینی . . . معاصری صادق کتابدار دره جمع الخواص ویرا نام برده و اشعاری از او آورده است . (ص ۸۸ کتاب) .

ص ۲۶۷ مولانا حسینعلی . . . نصر آبادی ویرا نام برده و نویسد : در هندوستان با ملا محمد صوفی مربوط شده مدتی چون شیر و شکر و آب و گهر بهم آمیزش داشتند بحسب تقدیرات از یکدیگر جدا شدند آخوند به یزد تشریف برد . . . (تذکره نصر آبادی ص ۱۵۷-۱۵۸) .

ص ۲۷۷ سطر ۱۱ دامی . . . وی رامی است نه دامی در نسخه چاپی نیز رامی ثبت است . رجوع شود به الذریعه جزء ۲ از ج ۹ ص ۳۵۲) .

ص ۲۶۷ سطر ۱۳ ملازمانی . . . ترجمه احوال وی در (تذکره نصر آبادی ص ۲۴۴) و (سرو آزاد ص ۲۸) آمده است . وفات ویرا سال ۱۰۱۷ نوشته اند رجوع شود به (الذریعه جزء ۲ از ج ۹ ص ۴۰۷) .

ص ۲۶۷ سطر ۱۶ سالک . . . وی در هندوستان درد کن نزد قطبشاه میزیست . بد شاه جهان آباد شد . و ملا شفیعی یزدی سال ۱۰۶۶ ویرا نزد شاه جهان برد

(تذکره سرو آزاد ص ۱۱۰) . و رجوع شود به (نصر آبادی ص ۳۲۹) . مؤلف الذریعه بنقل از سرو آزاد هرگز او را سال ۱۰۶۶ نوشته است . در صورتیکه در سرو آزاد اشاره ای بتاريخ فوت او نیست و عبارت کتاب اینست : سالک یزدی در خدمت قطب شاه والی حیدر آباد میگنرانید چون طایفه مغلیه را از آنجا بر آوردند بدارالخلافة شاهجهان آباد آمد .  
۱۰ شفیعی یزدی بیاس هموطنی رعایت بسیار نمود و در سنه ۱۰۶۶ و الف ( ۱۰۶۶ ) بملازمت صاحبقران شاهجهان رسانید . . . (سرو آزاد ص ۱۱۰) .

ص ۲۶۷ سطر ۱۸ سعید . . . رجوع شود به (تذکره نصر آبادی ص ۳۳۴ . سرو آزاد ص ۵۵) .

ص ۲۶۷ سطر ۲۲ شرقی . . . رجوع شود به (تحفه سامی ص ۷۴) .

ص ۲۶۸ سطر ۲۳ شوقی . . . سام میرزا صفوی در تحفه سامی (ص ۱۰۹) ویرا نام برده و اشعاری از او آورده است .

ص ۲۶۹ سطر ۳ سولستان . . . صحیح این کلمه شولستان است . . . شولستان فارس ناحیه ای است که امروز به ممسنی موسوم است شولی از تیره های ایل « نفر » درخمسه فارس است (جغرافیای سیاسی کیهان ص ۸۷ و ۹۰ و ۲۳۴ و ۴۵۹) .

ص ۲۶۹ سطر ۵ میربرهان . . . نصر آبادی در تذکره او را نام برده و اشعاری از وی آورده است و نویسد : خیطی تازگی در کلاهش هست . . . از مریدان قاضی اسد کاشی است ( تذکره ص ۳۰۱) .

ص ۲۶۹ سطر ۸ ملا فاجر . . . نصر آبادی در تذکره نویسد : نهایت اهلیت و خاموشی داشت . فی الجمله تحصیل کرده بود . چند سال قبل از این باصفهان آمد . حقا ملکی بود در لباس بشر . مدتی در خدمت مرحوم زمان خان حاکم کوه کیلویه بود گویا فوت شد . سپس اشعاری از او ثبت کرده ( ص ۳۶۱) .

ص ۲۶۹ سطر ۱۱ عالمی . . . از معاصران صادقی کتابدار است و او در مجمع الخواص (ص ۲۴۵) از وی نام برده و نویسد : علوم ظاهری را تکمیل کرده بود و اهلیت زیادی

داشت . در شیراز اقامت می کرد و هم در آنجا در گذشت . و بیت دوم از آیات او را که در متن حاضر است بدین عبارت ضبط کرده : آن ترک خوب جامه سوار سمند شد . . . ص ۲۶۹ سطر ۱۹ مولانا رازی . . . سام میرزا صفوی نویسد : راضی شوشتری ، از آن شهر تا غایت ، شاعری بهتر از او پیدا نشده . طبعش بغزل راغب بود و بدین واسطه با حکام و اقا بر مصاحبت مینمود . بلکه اکثر مردم او را هجوهای رکیک می کردند . طرفه تر آنکه بعضی از آن یاد گرفته می خواند و تعریف می کرد . طبعش در غزل خوب بود . اشعار او شتر گریه واقع شده در سایر اقسام هم شعر میگفت اما بکار نمی آمد . . . ( تحفه سامی ص ۱۲۹ )

ص ۲۶۹ سطر ۲۲ مولانا فرج الله . . . نصر آبادی نویسد : در حیدرآباد بخدمت پادشاه اعتبار بسیار بهم رسانیده اموال و اسباب بی حساب بدست آورد خالی از فضلی نبوده دیوانش بنظر رسید قریب سه چهار هزار بیت بوده شعرش هموار است . . . ( ص ۳۳۴ ) .  
ص ۲۶۹ سطر ۲۴ بتاریخ هفتاد و چهار هجری . نسخه چاپی اصافه دارد : بطالع سنبله . . .  
ضمناً شیراز از ابنیه پیش از اسلام است و بتقایی که قطعی هم نیست محمد بن قاسم بن عقیل بسرع حجاج آنرا تجدید عمارت کرده است  
ص ۲۶۹ سطر ۲۵ که اشکریان را که اشکریان را محل توقف نمانده  
و در خارج

ص ۲۷۰ سطر ۱ و عمر لیک . . . و عمر ولایت . . .  
ص ۲۷۰ سطر ۲ . . . افشاره زکن الدین . قنات زکن الدین ( نسخه چاپی )  
ص ۲۷۰ سطر ۸ عبدالله حنیف . . . در بعضی نسخ حنیف . هر دو  
ت خطاست . مقصود ابو عبدالله محمد بن خنیف شیرازی متوفی در . سه شنبه  
بیستم رمضان سال ۳۷۱ است برای اطلاع از شرح حال وی رجوع شود به ( شدالازار  
ص ۳۸ و ۴۸ و تعلیقات مرحوم قزوینی بر همین صفحه ) . و رجوع شود به سیره ابن  
حنیف ( ص ۸ و ۹ )

ص ۲۷۰ سطر ۱۳ اهلی . . . نام وی محمد است و شیراز سال ۶۴۲ در گذشت .

علامیرک اورا رثا گفته و ماده تاریخ مرگ اورا ( پادشاه شعرا بود اهلی - ۹۵۲ ) سروده است . اوراست گنجفد مطبوع بسال ۱۳۳۲ در تهران . سحر حلال ( مطبوع ) شمع و برواند .

ص ۲۷۱ سطر ۲ پرتوی . . در نسخه جایی چنین است : اصلش از شیراز و در عهد خود از اقران ممتاز . گویند علامه دوانی در حق او فرمود مآریت انم فقرا و مسکنه مندو عندی انمن السالکین . . انهمی . و در تحفه سامی نویسد : پرتوی پرتو کلام بلاغت بهرجا تافته و قبول سخنان مقولش در دل اهل وفا جا یافتد . . ( ص ۱۲۶ ) . مؤلف الذریعه نویسد : وی منجمی ماهر بود و برای شاه اسماعیل تقویمی استخراج کرد ( جزء اول از ج ۹ ص ۱۵۷ ) .

ص ۲۷۱ سطر ۲ بسحق اطعمه . جمال الدین ابواسحاق شیرازی متوفی بسال ۲۱۵ هجری دیوان او در ترکیه و ایران بطبع رسیده است .

ص ۲۷۱ سطر ۱ بیکی . صادقی کتابدار نویسد : بیکی شیرازی شاعری قدیمی است وقتی که مولانا غزالی مشهدی بشیرازمی آمد شعرا برای امتحان غزالی طرح می کنند در هجو غزالی . این قطعه بیکی خیلی مشهور شد . سپس همین قطعه متن را آورده است ( مجمع الخواص ص ۳۰۷ ) .

ص ۲۷۱ سطر ۱۲ تجلی . . میرزا علی رضا بن کمال الدین حسین اردکانی شیرازی در اصفهان بر اقا حسین خوانساری تلمذ کرد ' نگاه بهند رفت و فرزندان عمی مر خان را تعلیم داد . سپس بایران بازگشت و در فقه و کلام و تفسیر کتابها نوشت و بد شیراز بسال ۱۰۸۵ یا ۱۰۸۸ در گذشت . مؤلف ریاض العلماء گویند دیده وی در شعر سایر فضایل اورا تحت الشعاع قرار داد . اوراست تفسیر قرآن بفرسی و سفینه النجاة در امدت و معراج الخیال ( منظوم ) که بسال ۱۳۱۳ در بمبئی بطبع رسیده ( الذریعه جزء اول از ج ۸ ص ۱۶۷ ) .

ص ۲۷۲ سطر ۲ در وقت وزود تیمور گورگان . . این داستان را دولت شاه سمرقندی .

در تذکره آورده و مؤلف قطعاً از این مأخذ نقل کرده است . دکتر غنی در کتاب ( بحث در آثار و افکار و احوال حافظ ص ۳۹۱ ) نویسد : این قطعه را اگر راست بدانیم و امر تاریخی بشماریم و مثل غالب قصه هائی که از روی مضامین غزلهای خواجه ساخته شده است نباشد باید فرض کنیم که در اواخر همین سال ( ۷۸۹ ) واقع شده است .

ص ۲۷۵ سطر ۱۴ زلالی . . . سال وفات او را ۹۴۸ در گجرات نوشته اند ( قاموس الاعلام سامی بیک . ریحانة الادب بنقل از الدرریمه جزء ۲ از ج ۸ ص ۴۰۵ ) .  
ص ۲۷۵ سطر ۱۶ حاجی زمان . . . نصر آبادی نویسد : حاجی زمان کفش دوز شیراز است مرد دردمندی بود چنانچه یاران عزیز مثل میرزا ابراهیم ملاصدرا و ملا محمد تقی اکثر بندرکان او نشسته صحبت می داشتند و در خط شناسی و قوفش بمرتبه ای بود که شرح نتوان داد و در ترتیب نظم هم طبعش خالی از لطف نیست . . . ( تذکره ص ۳۸۲ - ۳۸۳ ) .

ص ۲۷۶ سطر ۱ جمله ( فقیر در عرصه مشارکت ایشان نمی باشد ) زائد است .  
ص ۲۷۷ سطر ۲ درسته . . . وفات او را بسال ۶۹۰ تا ۶۹۴ نوشته اند .  
ص ۲۹۳ سطر ۹ شرر . . . مؤلف تذکره سرخوش که از معاصران اوست از وی نام برده ( ص ۶۰ کتاب ) و صاحب تذکره شوشتر او را از معاصران طاهر و حمید و نجیبای کاشانی و شفیعی اثر دانسته است ( ص ۱۳۹ ) و مؤلف تذکره روشن نویسد : وی بسال ۱۱۰۷ بسن شصت سالگی در شیراز در گذشت . ( الدرریمه جزء ۲ از ج ۹ ص ۵۰۱ ) .

ص ۲۹۷ سطر ۲۱ میرغیاث الدین . . . غیاث الدین منصور بن صدرالحکما امیر صدرالدین محمد بن محمد بن اسحاق بن علی بن عربشاه حسنی دشتکی ، جامع علوم معقول و منقول و حاوی فروع و اصول است در چهارده سالگی داعیه جدل و مناظره با اعلام دوانی داشت و در بیست سالگی از تحصیل و ضبط علوم فراغت یافت بسال ۹۳۶ در عهد سلطنت شاه طهماسب بصدارت عظمی رسید و صدرالصدور لقب یافت سپس مستعفی شد . مدرسه منصوریه شیراز منتسب بدو و بنام اوست . تألیفات وی افزون از ۳۰ مجلد

است در سال ۹۵۰ یا ۹۴۸ در شیراز در گذشت .

ص ۲۹۷ سطر ۲۴ اگر مرگ خود هیچ لذت ندارد . . .

این دوبیت از ابیات آخر قصیده ای است از سنائی غزوی در ۲ بیت که مطلع آن این است :

بمیر ای حلیم از چنین زندگانی      از این زندگانی جو مردی همانی . . .  
تا آنکه گوید

اگر مرگ خود هیچ راحت ندارد      ند بازت زهاند همی حاروانی  
اگر خونی خوئی از گران قلتبانیان      و گر بد خوئی از گران قلتبانی  
( دیوان سنائی چاپ آقای مدرس رضوی ص ۵۰۵ - ۵۰۲ )

و نصر الله بن عبدالحمید منشی مترجم کلیله و دمنه در باب اسد و نوز در داستان  
محا کمه دمنه بدین دوبیت استشهاد کرده است بنا بر این انتساب آن بغیاث الدین بکلی  
بی اساس است .

ص ۲۹۲ سطر ۲۵ غیاث حلوانی . . . نصر آبادی نویسد از اقران ملا ماهمی  
و میرزا نظام دست غیب است در فن قصیده و عزاز قدرت کامل داشته . . . ( ص ۲۳۸ تذکره ) .

ص ۲۹۸ سطر ۱۰ بابا فغانی . . . وفات او سال ۹۲۵ هـ در مشهد بوده است

ص ۲۹۹ سطر ۵ در شهر سنه . . . مؤلف ریحانة الادب درباره مرگ او چنین  
نویسد : گویند بواسطه اخلاص که نسبت به حضرات ائمه اطهر داشته ( لسانی ) تاج  
دوازده ترک شاهی را از سر نمی نهاد تا آنکه سلطان سلیمان خان قونوی ( ۹۲۶ - ۹۲۵ )  
در سال ۹۵۰ یا ۹۵۱ عزیمت تسخیر تبریز کرده اتفاقاً در آن موقع لسانی در مسجد جامع  
تبریز مشغول تعقیب نماز بود و چون خبر نزدیکی سلطان را شنید دست از تعقیب کشیده  
و دعا نمود که خدایا من تاج برداشتن این تاج را ندارم مرا بدرگه رحمت خود داخل  
گردان بس سربد مسجده نهاد و جان بمالک جانان سپرده و در مقبره سرخاب تبریز  
دفن گردید ( ریحانة الادب ج ۳ ص ۴۱۵ - ۴۱۶ ) .

ص ۳۰۵ سطر ۳ ارشد . . . در مجالس النفاوس آمده است مولای ارشد شیرازی

است و جوانی در دمنه و نیازمند بوده است و از جمله عشاق میرسید شریف بود . اکثر

اشعارش جهت او است و این مطلع از او است :

مگر آن ایس خاطر سخنی شنیده دیگر  
که جو آهوان وحشی ز برم درمیده دیگر.

ص ۳۰۶ سطر ۲۴ شیخ ابوالحسن شهید . . . ابوالحسن شهید بن حسین جهوداسکی

بلخی شاعر و حکیم و متکلم و صاحب مؤلفات ، وفات او بسال ۳۲۵ هجری است .

ص ۳۰۷ سطر ۲۲ درسنه . . . بسال ۵۵۱ هجری .

ص ۳۱۱ سطر ۹ مولانا شفیقی مقصود شفیق بلخی مدنی بابی علی صوفی و عارف

خراسان در قرن دوم هجری است .

ص ۳۱۱ سطر ۲۴ وکان ذلك فی شهر سنه . . . وفات عنصری را بسال ۴۳۱

نوشته اند ( تاریخ ادبیات دکتر صفا ج ۱ ص ۵۶۴ ) .

ص ۳۱۴ سطر ۶ منوچهر شصت کله . . . در ترجمه این شاعر چند تخیل رخ داده

است . اول شصت کله لقب احمد بن منوچهر است که بنقل راوندی مؤلفمراحة الصدور معاصر

طغرل بن محمد بن ملک شاه سلجوقی است . ثانیاً منوچهری بتصریح خود وی که گوید:

سوی تاج عمرانیان هم بدینسان  
بیامد منوچهری دامغانی

از دامغان است نه بلخ ثالثاً اینکه وی را شاگرد ابوالفرج سجزی دانسته است ظاهراً

درست نیست ، زیرا از لحاظ زمان تطبیق نمی کنند رابعاً ورود منوچهری در دربار غزنویان

پس از سال ۴۲۱ است بنا بر این نمیتوان گفت وی مداح محمود بوده است ( رجوع شود

به مقدمه دیوان منوچهری تصحیح آقای دبیر سیاقی و تاریخ ادبیات آقای دکتر صفا ج ۱

ص ۵۸۳ به بعد ) .

ص ۳۱۸ سطر ۲۱ شیخ ابوالوفا . . . وی همان ابوالوفای خوارزمی است که

هدایت ترجمه احوال او را در ریاض العارفین ( طبع کتابخانه مهدیه ۱۳۱۶ . ص ۵۳ -

۵۴ ) آورده و گوید بسال ۸۳۵ در گذشت .

ص ۳۲۰ سطر ۱ ظهیرالدین . . . طاهر بن محمد فارابی از سخن سرایان بلخ

اواخر قرن ششم و متوفی بسال ۵۹۸ هجری است .

ص ۳۲۵ سطر ۵ سیف الدین اعرج . . . آقای دکتر صفا پس از نقل گفتار

دولت شاه و آذر و هدایت نوشته اند : از مجموع سخنان تذکره نویسان چنین استفاد

میشود که سیف اسفرنگ شاعر دوره خوارزمشاهان از عهد ایل ارسلان ( ۵۵۱ - ۵۶۵ )

تا عهد سلطان محمد خوارزمشاه بوده و چون نوشته اند در ۶۷۲ در هشتاد و پنج سالگی فوت کرد پس قسمت اعظم دوره مغول را هم دید. . . ولی وی چنانکه از اشعارش برمی آید معاصر شمس خاله و ضیاءالدین خجندی و مجیرالدین بیلقانی بوده و با آنان مشاعره و معارضه داشته. از میان ممدوحان او از همه قدیمتر سلطان سنجر سلجوقی ( ۵۱۱ - ۵۵۲ ) است. آنگاه پس از ذکر شواهدی سال ۶۷۲ را که تذکره نویسان سال مرگ شاعر نوشته اند درست ندانسته و گوید. باید وفات شاعر در آخر قرن ششم باشد (تاریخ ادبیات دکتر صفا ج ۲ ص ۷۹۵ - ۷۹۶).

ص ۳۲۷ سطر ۲۱ شیخ ابوالعباس . . . فضل ابن عباس ربنجندی از شاعران عهد سامانی تاریخ ولادت و وفات او معلوم نیست ولی به موجب قصیده‌ای که در ثناء نصر بن احمد سروده و چهار بیت آن در متن آمده معلوم است که سال ۳۳۱ زنده بوده است، ضمناً جمله تعزیه احمد صحیح نیست و نصر احمد درست است.

ص ۳۲۷ سطر ۸ برندق . . . در مجالس النفاثس ( لطائف نامه ) برندق ضبط است ( ص ۱۹ ) و در ترجمه حکیم شاه محمد از همین کتاب در متن مولانا با یزید ضبط شده و در حاشیه نوشته است مولانا برندق نسخه ترکی ج ۲ ۱۹۳ مجالس النفاثس )  
ص ۳۲۷ سطر ۱۶ ملاحاجی بهرام . . . مؤلف صبح گلشن وفات او را بسال ۱۰۹۹ نوشته است و گوید او را مکاتبات بود ( الذریعه جزء اول از ج ۹ ص ۳۲۷ ) -

ص ۳۳۷ سطر ۱۶ جوهری زرگر . . . حکیم ابو محمد بن محمود بن عمر جوهری از شعرای قرن پنجم هجری . مداح امیر فرخ زاد بن مسعود بن محمود غزنوی ( ۴۴۴ - ۴۵۱ ) و با ملوک غور نیز مربوط بوده است .

( تاریخ ادبیات دکتر صفا ج ۲ ص ۴۳۸ - ۴۳۹ ) و رجوع به تعلیقات چهار مقاله تألیف آقای دکتر معین ( صفحات ۱۴۰ - ۱۴۹ و ۱۵۰ شود ) شود .

ص ۳۲۹ سطر ۵ و سبب تخلص او را دو احتمال نقل کرده اند . . . احتمال دوم

بی اساس

ص ۳۲۸ سطر ۱۱ این قصیده را بدیده گفته . . . بعضی در انتساب این قصیده برود کی تردید کرده اند و در صورت انتساب برود کی بعضی محققان داستان را اساساً مجعول می دانند ( رجوع شود به چهارمقاله تألیف آقای دکتر معین ص ۱۶۰ به بعد)

ص ۳۲۹ سطر ۱۸ شهاب الدین احمد زیاده بر این احوالش معلوم نشد . . . شهاب الدین احمد بن مؤید نسفی سمرقندی از شاعران اواخر قرن ششم و مداح ابوالمظفر رکن الدین قلیج طمغاج خان مسعود است که ممدوح شرف الدین حسام نیز بوده و از سلاطین خانیه ماوراءالنهر در اواخر قرن ششم است .

از احوال او اطلاع کافی در دست نیست و ذکر او در تذکره ها مانند لباب الالباب و مجمع الفصحا باختصار و اجمال تمام آمده است . ایاتی که از او نقل شده نشانه کمال تسلط وی در نظم و بیان معانی و مضامین دقیق است . . . و همچنین اگر چه او را در شمار شاعران آل سلجوق نوشته اند لکن آنچه از او در دست داریم در مدح خانیه ماوراءالنهر است و او از میان آن سلاطین به ابوالمظفر رکن الدین قلیج طمغاج خان مسعود ابن قراخان اختصاص داشته که گویا تا حدود ۵۶۲ یا ۵۶۹ در سمرقند سلطنت می کرده است . وی با سوزنی شاعر معاصر بوده و او را هجو گفته است . . . ( تاریخ ادبیات آقای دکتر خفاج ۲ ص ۷۶۹ - ۷۷۰ ) .

ص ۳۳۰ سطر ۱۶ مولانا عمیق . . . امیر الشعرا ابوالنجیب شهاب الدین عمیق از شعرای اوائل قرن ششم است .

ص ۳۳۰ سطر ۱۹ سوای رشید . . . مقصود رشیدی سمرقندی است و این حکایت مأخوذ است از چهارمقاله نظامی عروضی مقاله دوم حکایت ۸ . وفات عمیق را مرحوم هدایت در ۵۴۲ و در شاهد صادق ۵۵۱ و تقی الدین کاشی ۵۴۳ دانسته است .

ص ۳۳۵ سطر ۱۹ بدخشی . . . در مجالس النفائس نویسد :

شعراى سمرقند او را بخوشگوئی مسلم داشته اند و میرزا نیز با والتفات تمام داشته . ( ص ۱۹ و ۱۹۳ کتاب ) .

ص ۳۳۶ سطر ۵ ببیحون انداخت . . . بین سالهای ۵۳۸ و ۵۴۲ ( تاریخ ادبیات

آقای دکتر صفا ج ۲ ص ۶۴۴).

ص ۳۳۸ سطر ۱۵ . . . از معاصران امیر علی شیر نوائی است . میرد در باره وی

نویسد : از ولایت حصار است طالب علمی دارد . . . ( مجالس النفاث ص ۱۵۹ ) .

ص ۳۴۱ سطر ۸ بساطی . . . رجوع شود به ( مجالس النفاث ص ۱۳ و ۱۸۸ .

الذریعه جزء اول از ج ۹ ص ۱۵۳ ) .

ص ۳۴۱ سطر ۱۳ دقیقی . . . ابو منصور محمد بن احمد دقیقی از فحول شعرای

دوره سامانی و دومین شاعر است که بنظم شاهنامه پرداخت . قتل وی در حدود ۳۶۷ -

۳۶۹ هـ رخ داده است . رجوع شود به ( تاریخ ادبیات آقای دکتر صفا ج ۱ ص

۱۱۱ به بعد )

ص ۳۴۱ سطر ۱۹ رشیدی از حالش چیزی معلوم نیست . . . سیدالشعرا ابو

محمد بن محمد رشیدی سمرقندی از مردم سمرقند است . مداح آل افراسیاب و از جمله

خضر بن ابراهیم و قدرخان بود و از سلاجقه ستجربین ملکشاه را نیز مدح گفتند . برای

شرح احوال او رجوع به ( لباب الالباب و مجمع الفصحا و تاریخ ادبیات آقای دکتر صفا

ج ۲ ص ۵۴۷ و تعلیقات چهارمقاله تألیف آقای دکتر معین ص ۱۳۸ ) شود .

ص ۳۴۱ سطر ۲۳ روحانی . . . عوئی از وی به الاجل الافضل تاج الحکما عصاره

الثانی ابوبکر بن محمد بن علی الروحانی تعبیر کرده است . رجوع شود به ( لباب

الالباب تصحیح آقای نفیسی ص ۴۴۶ و تاریخ ادبیات آقای دکتر صفا ج ۲ ص ۱۶۱۰

به بعد .

ص ۳۴۲ سطر ۱ حکیم سوزنی . . . شمس الدین تاج الشعرا محمد بن علی سوزنی .

بر طبق تحقیق آقای فروزانفر نام پدر وی مسعود بوده است . سوزنی معاصر از سالان

خان محمد از آل افراسیاب ( ۴۹۵ - ۵۲۴ ) و فرزند او محمود بوده است . مرحومه

هدایت وفات او را بسال ۵۶۲ و دولت شاه در ۵۶۹ ضبط کرده است . از اشعار او مسلم میشود

که وی در ۵۶۰ حیات داشته است . ( تاریخ ادبیات آقای دکتر صفا ج ۲ ص ۶۳۲ ) .

ص ۳۴۳ سطر ۱۲ شهاب الدین احمد از احوالش اطلاع نیست . . . وی همان

- شهاب‌الدین احمد مذکور در ص ۳۲۹ سطر ۱۸ این کتاب است .
- ص ۳۴۴ سطر ۸ سنه ۵۴۲ . . . این تاریخ صحیح نیست آقای دکتر صفا حادثه‌ای را که منجر به مرگ او شده است ( تیری که سلطان بختا بدو انداخت ) پیش از سال ۵۱۱ دانسته اند رجوع شود به ( تاریخ ادبیات ج ۲ ص ۵۱۲ ) .
- ص ۳۵۲ سطر ۱۳ و مثنوی و بس و رامین . . . این مثنوی از فخرالدین اسعد گرگانی است نه از نظامی گنجوی و نه از نظامی عروضی .
- ص ۳۵۲ سطر ۲۳ هجری . . . از مردم اندجان است . میرعلی شیرنوائی آرد : ملاهجری اندجانی مردی فقیر است بقدر طالب علمی دارد . در اوایل لوند و اوباشی بود ، اما آخر روی بگوشه فقر و درویشی آورد . . ( مجالس النفاث ص ۱۵۵ ) .
- ص ۳۵۴ سطر ۲ شیخ فیضی . . . برادر شیخ ابوالفضل دکنی است . معاصر او صادقی کتابدار در مجمع الخواص از او نام برده ( ص ۵۲ ) . شرح حال مفصلی از وی در ریحانة الادب ( ج ۳ ص ۲۴۶ - ۲۴۹ ) ثبت است . فیضی عالمی متبحر و دارای تألیفات است . ولادت فیضی بسال ۹۵۴ در شهر ناگور از اجمیر هند بوده و در دهم صفر سال ۱۰۰۴ در اکبرآباد در گذشت .
- ص ۳۵۴ سطر ۱۵ میرجدائی . . . نام او میرسید علی است ملقب به نادرالملک . مؤلف صحف ابراهیم نوشته است که وی قصه امیر حمزه را در شاترده مجلد و مصور بتصویر تألیف کرد . رجوع به ( الذریعه جزء ۳ از ج ۹ ص ۱۹۲ ) .
- ص ۳۵۴ سطر ۱۷ خواجه حسن . . . حسن بن علی دهلوی سنجری ملقب به نجم‌الدین و متخلص به حسن معاصر امیر خسرو دهلوی است . در نضحات الانس آرد ( ص ۵۴۹ ) ویرا چند دیوان است و او راست فوائد الفوائد . وی در دیوگر هند بسال ۷۲۷ یا ۷۳۱ در گذشت ( الذریعه جزء اول از ج ۹ ص ۲۴۲ ) .
- ص ۳۵۵ سطر ۲ امیر خسرو . . . متوفی بسال ۷۲۵ .
- ص ۳۸۵ سطر ۱۹ شعله متوفی ۱۱۶۰ هـ .
- ص ۳۸۶ سطر ۱۶ شکیب مقتول بسال ۱۱۳۵ هـ .

## فهرست شعرائی که ترجمه آنان در این کتاب آمده است

صفحه	نام	صفحه	م
۱۹۰	ابوالقاسم کاملی		آ
۳۶۸	ابوالوفا (شیخ .)		
۱۲۱	ابوبکر کرمانی	۴۳۳	آذر (لطیفلی بیک)
۱۳۴	ابوحنیفه اسکافی	۸۶	آذری طوسی
۹	ابوسعید آل مظفر	۱۵۵	آصفی استرآبادی
۱۳۶	ابوسعید ابوالخیر	۱۵۰	آصفی هراتی
۳۴۰	ابوعلی شطرنجی	۳۲۷	آغاجی
۲۲۸	ابوعمر	۲۲۳	آفتابی
۹	اتابک زنگی	۲۶۶	آگهی
۹	اترخواارزمشاه	۷۳	آنی
۲۷۰	اتیر	۷۰	آهی تونی
۳۲۵	اتیراخیسکتی	۱۱	آهی جغتالی
۲۶۰	اتیرالدین اومانی	۱۷۳	آیتی
۳۲۹	احمد (شهاب الدین...)		الف
۷۵	احمد جام		
۲۲۸	احمد دیلمی	۱۷۳	ابدال
	احمد سمرقندی	۳۰۶	ابدال بلخی
	رک . شهاب الدین سمرقندی		ابراهیم (سلطان ..)
۲۲۸	احمد غفاری		رک جاهی
	احمد کیلانی ، رک :	۷۹	ابن حسام
	خان احمد خان	۳۰۷	ابن سینا
۸۳	احمد لاغر (قاضی ..)	۸	ابن محمود فنوی
۲۶۶	اختری	۲۷۰	ابن نوح
۲۶۶	ادامی	۸	ابن یسین
۲۴۶	ادهم	۶۹	ابوالحسن خرقانی
۲۲۸	ادهم بیک	۲۳۶	ابوالحسن فراهانی
۲۳۵	ادیب صابر	۳۲۷	ابوالعباس بخاری
۳۰۵	ارشاد	۵۲	ابوالعلاء گنجوی
۱۴۷	ازرقی	۱۳۶	ابوالفرج رونی
۲۴۶	اسد (قاضی...)	۸۳	ابوالفرج سجزی

صفحه	نام	صفحه	نام
	امیرتقی ، رك .	۲۸	اسدالله تبریزی (میر .)
		۲۲۸	اسد بیک
	امیرفخرالدین مسعود،	۶۸	اسدی
	رك : مسعود بن بهمن		اسعد . رك .
	امیرمحمد صالح ،		فخرالدین اسعد
	رك : صالح چغتایی		اسماعیل باخرزی
	امیرهمایون ، رك :		رك . تاج الدین
	همایون اسفراینی .		اسماعیل ثانی (شاه ...)
	امیرهمایون گورگانی ،		رك : عادل
	رك . همایون گورگانی		اسماعیل صفوی (شاه .)
۲۲۸	امین (خواجه محمد .)		رك : خطائی
۱۷۳	امین اصفهانی	۱۵۰	اسی
۲۴۷	امین (خواجه محمد...)	۱۷۳	اسیر
۱۷۲	امینا	۲۲۸	اسیری
	امین ترکمان ،	۳۷۶	اسیری
	رك : فوقی ترکمان	۱۷۳	اشراق (میر داماد)
۸۸	امینی	۱۶۹	اشرف
۲۶۱	انامی	۳۴۰	اشرفی
۲۳۵	انصاری	۱۳۸	اشهری
۲۶۲	انوار	۸۸	اصلی
۲۸	انوار (شاه قاسم .)	۲۳۵	اصیلی
۵۵	انوری	۲۴۶	اقضل (بابا...)
۱۰	اپسی	۸۸	اقدسی
۱۷۳	ارچی		اکبرشاه ، رك
۸۰	اوحده سبزواری		جمال الدین اکبر
۳۰۵	اوحدی کازرونی	۹	انقاص میرزا صفوی
۱۲۲	اوحدی کرمانی	۲۶۱	الهی
۵۳	اوحدی مراغه ای	۱۰	امامقلی خان
۲۷۰	اهلی	۱۵۰	امامی هروی
۲۲۸	ایزدی	۲۶۶	امتیاز
		۳۷۶	امید
		۲۱۵	امیدی رازی
		۲۸	امیربیک
	<b>ب</b>		
	بابا فغانی ، رك . فغانی		

نام

با یا نصیبی ، رك : نصیبی

بازاری

باقر

باقر

باقی

بایزید بسطامی

بعثی

بدخشی

بدرالدین جاجرمی

بدیع الزمان

بدیع الزمان میرزا

بدیعی

برندق

برهان

بزمی

بساطی

بسحق اطعمه

بنامی

بندارذاری

بهائی (شیخ...)

بهاری

بهرام (ملاحاجی...)

بهرام میرزا

بیانی

بیخودی

بیخودی

بیرامنجان

بیرك (حاجی...)

بیکسی

بینش

پ

پرتوی

پوردبها

صفحه

۱۵۵

۱۷۳

۲۴۷

۱۲۲

۶۹

۲۲۸

۳۳۵

۷۴

۸۱

۱۱

۴۹

۳۲۷

۲۶۹

۱۵۵

۳۴۱

۲۷۱

۱۵۱

۲۱۸

۱۷۴

۳۰۵

۳۲۷

۱۱

۱۲۲

۱۱

۷۳

۱۱

۲۲۹

۲۷۱

۳۵۹

۲۷۱

۷۵

نام

پورحسن

پورفریدون

و

تاج‌الدین باخرزی

تأثیر

تجلی

تجلی (علیرضا)

تجلی (ملا...)

تذروی

تسلیمی

تشبیهی

تصنیفی

تقی (آقا...)

تقی (امیر...)

تمنا

ث

ثبات

ثابت

ثبات

ثنامی

ج

جامی (عبدالرحمن)

جامی اردوبیلی

جایی

جاوید

جاهی (سلطان ابراهیم...)

جیلی

جدائی

جدائی (میر...)

جدیه

جذبی

صفحه

۶۸

۲۷۱

۷۹

۱۷۴

۲۴۸

۲۷۱

۳۳۵

۲۲۹

۲۴۸

۲۴۸

۲۱۳

۱۷۴

۱۷۴

۲۷۱

۲۳۵

۳۷۶

۳۷۶

۸۸

۷۵

۲۶

۱۱

۱۶۹

۱۱

۹۸

۲۲۳

۳۵۴

۳۷۶

۱۲

صفحه	نام	صفحه	نام
۸۸	حزینی (محمد طاهر)	۱۲	جزوی
۱۷۹	حسامی	۲۲۹	جعفر
۳۱۸	حسامی	۱۲	جعفر بیک
۴۷۷	حسرت	۲۹	جعفری
۱۳	حسن بیک ترک		جلال الدین ملکشاہ ،
	حسن بیک مقیمی ،		رک: ملکشاہ
	رک. مقیمی	۲۳۵	جلال جعفر
۱۳	حسنخان شاملو	۱۷۴	جلال درکانی
۳۵۴	حسن دهلوی	۱۷۴	جلال منشی
۱۰۴	حسن غزنوی (سید ..)	۱۷۴	جمال (ملا میر...)
۲۱۳	حسین (آقا ..)	۱۲	جمال الدین اکبر
	حسین ثنائی ، رک ثنائی	۱۷۵	جمال الدین عبدالرزاق
۲۶۷	حسینعلی	۳۵۵	جمالی
	حسین میرزا ،	۳۷۶	جناب
	رک . حسینی	۱۷۹	جنتی
۱۳	حسینی (سلطان حسین میرزا)	۲۹	جوهری
۲۴۸	حسینی طباطبائی	۳۲۷	جوهری
۲۳۶	حضوری (میر...)		
۲۹	حقیری		
۲۴۸	حلمی	۲۴۸	حاتم
۲۴۸	حیاتی	۲۶	حاتم بیک
۱۵۳	حیدر	۱۸۰	حاتبی
	حیدرخصالی ، رک. خصالی	۳۷۷	حاجت
۲۴۸	حیدرطیماسی	۱۶۶	حاجی
۸۱	حیدری	۳۴۱	حاجی محمد
۳۰	حیدری تبریزی	۲۷۱	حافظ
۲۳۷	حیرانی	۱۲	حالتی
۲۲۹	حیرتی	۶۸	حالی
۶۹	حیرتی تویی	۲۶۹	حامد
		۸۱	حبیب الله
		۱۷۹	حبیب الله ترک
			حجاب
۳۷۷	خادم	۳۷۷	حرفی
۳۷۷	خاطر	۲۲۷	حزنی
۳۶	خاقانی	۷۳	حزنی
۱۳	خاکی	۷۹	حزنی
۱۵۳	خالدی	۲۲۶	حزنی
۹	خان احمد خانان ،	۳۷۷	حزین
	خان خان ،	۱۵۵	حزینی
	رک رحیمی	۲۶۷	حزینی

## ح

صفحه	نام	صفحه	نام
۲۶	راغب	۳۵۵	خسر و دهلوی (امیر...)
۳۰	راغب	۱۳	خصالی
۳۷۹	راغب	۲۴۹	خصالی
۱۵۳	رجائی	۲۹۶	خضری
۱۸۰	رجائی	۳۰۵	خضری
۱۴	رحیمی	۱۳	خطائی
۸۱	رشکی	۲۱۸	خلقی
۲۶۲	رشکی	۱۲۳	خواجو
۲۶۲	رشیدالدین فضل الله	۳۵۸	خواجه زاده
۳۰۷	رشید و طواط	۳۰	خواری
۳۰۵	رشیدی	۲۴۹	خیالی
۳۴۱	رشیدی سمرقندی	۱۳۸	خیام
۱۲۳	رشیدی کرمانی		
۲۱۸	رضا (شاه...)	۱۵۵	دامی
۱۸۱	رضا (میرزا سید...)	۳۷۷	داعی
۱۸۱	رضا پاشا	۲۳۷	داعی انجذاتی
۱۸۱	رضی	۲۶۷	دامی
۲۶۲	رضی (میر...)	۳۷۸	دامی
۱۴۰	رضی الدین	۸۸	دانش (محمد رضی)
	رضی داش،	۱۸۰	داود
	رك داش	۲۴۹	داوری
۱۲۳	رفیع الدین کرمانی	۳۴۱	دردی
۱۸۱	رفیع الدین تنبایی	۱۴	دردی اقشار
۲۴۹	رفیعی	۲۳۷	درکی
۳۷۹	رفیق	۱۵۴	درویش تبرگر
۲۳۷	رکن الدین دعوبدار	۲۲۹	درویش دهکی
۸۲	رکن الدین صائین	۳۴۱	دقیقی
۳۵۳	رکن الدین قباتی	۲۳۰	دیلمی
۲۴۹	رمزی		
۳۴۱	روحانی	۵۰	ذوالفقار (سید...)
۳۲۸	رودکی	۱۸۰	ذوقی
۱۵۶	روغنی	۲۴۹	ذهنی
۲۶۳	روثقی		
۷۹	رهائی		
۳۸۵	رهبان	۲۶۹	رازی
۳۸۵	رهی	۱۸۰	راضی
۱۴	رهی (سلطان علی بیک)	۲۳۰	راضی

صفحة	نام	صفحة	نام
۳۵۸	سراج الدين لاهورى		زبانى
۱۸۲	سراج حكاك	۲۸۵	زكى
	سراج قمرى ،	۲۶۳	زلالى
	رك : قمرى	۲۱۳	زلالى شيرازى
۲۴۹	سرمه	۲۷۵	زلالى هروى
۱۸۲	سعد	۱۵۳	زمانى
۷۴	سعدالدين حموى	۲۶۷	زنده پيل ، رك :
۲۷۵	سعدى		احمد چام
۲۶۷	سعید		زنده دل
۲۳۶	سعید خان (حكيم ...)	۲۲۳	زين الدين خيوشانى
۲۳۸	سلطان	۷۹	زينت
	سلطان حسين ميرزا ،	۱۸۱	
	رك : حسینی		ساحرى
۲۲۳	سلمان		ساقى
۱۸۲	سلمان انصارى	۱۴	سالک
۱۵	سليم (محمد قلى)	۱۸۱	سالک
۶۹	سليمى	۱۸۲	سالک
۱۰۶	سنائى	۲۳۰	سالک
۲۴۹	سنجر	۲۴۹	سالک
۳۴۲	سوزنى	۲۶۷	سالک
۲۲۶	سوزى	۳۸۵	سالک
	سهروردى ،	۲۴۹	سالک
	رك : شهاب الدين	۱۴	سالک
۱۵	سهيلى		سامى
.	سيد ذوالفقار ،		سام ميرزا ،
	رك ذوالفقار		رك . چامى
۱۵۶	سيرى	۱۵	سامى (سام ميرزا...)
۲۱۲	سيرى جرفادقانى	۱۴۱	سامى (قبيلات الدين)
۱۴۱	سيفى	۱۵	سامى لطفعلی بيك
۳۲۹	سيفى	۸۸	سايلى
		۲۱۸	سايلى
		۱۸۲	سيهرى
		۱۵۶	سجابهى
۲۱۹	شاپور	۱۵	سديد اعور
۱۵۴	شادى	۳۱۱	سراج الدين بلخى
۳۵۸	شانى		

صفحه	نام	صفحه	نام
۲۵۱		۱۵	شانی تكلو
۳۰	تبریزی		شاه اسماعیل صفوی،
۲۹۳	تطاح		رك . خطائی
۲۵۱	شمر ناف	۱۴۱	شاهدی
۳۸۵			شاه رضا،
۳۸۵	شمله		رك . رضا
۱۸۳		۷۹	شاه سنجان
۱۸۳	شانی		شاه شجاع ،
۳۱۱	شقیق بلخی		رك: شجاع (شاه...)
۳۸۶			شاه طهماسب صفوی،
۱۸۳			رك . طهماسب
۲۳۸	الدين		شاه عباس ثانی ،
۳۲۹	شمس الدين		رك : عباس ثانی
۳۸۶	شمس الدين (میر .)		شاه عباس صفوی ،
۳۱	شمس الدين تبریزی		رك عباس
۷۰	الدين توی		شاه قاسم انوار،
۸۴	الدين صاحبديوان		رك : انوار
۱۷	شمس الدين كرت		شاه كبودجامه ،
۱۷۲	شمس الدين محمد		رك: نصرت الدين كبودجامه
۷۴	شمس الدين محمد صاحبديوان	۱۸۲	شاهکی
۱۳۸	شمس الدين نسوی	۱۸۲	شاه نظر
۳۸۶	شمیم		شاه نعمت الله ،
۲۱۴	شوخی		رك : نعمت الله
۲۶۷	شوقی	۸۱	شاهی
۱۷	شوقی	۳۸۵	شباب
۲۲۶	شوقی (میر...)	۳۴	
۳۱	شوقی تبریزی	۲۵۱	شجاع
۱۸۴	شوکت	۱۶	شجاع (شاه ..)
	شهاب الدين احمد ،	۲۹۳	شرد
	رك: احمد	۲۳۰	
۳۴۳	شهاب الدين سمرقندی	۱۲۳	شرف الدين باقی
۲۳۲	شهاب الدين مهروردی	۱۸۲	شرف الدين شقروه
۱۱۶	شهاب الدين معتمد بن رشید	۲۶۷	شرقی
۲۳۲	شهابی	۲۳۲	شرعی

صفحه	نام	صفحه	نام
۲۱۹	صفی (شاه...)	۱۶۶	شهودی
۱۴۱	صفی (امیر...)	۳۰۶	شهید بلخی
۱۸۴	صفوی	۲۳۸	شهیدی (بابا...)
۴۰۲	صبا	۱۲۰	شیونی
۲۱۹	صیدی		
۲۶۳	صیقلی		
	<b>ضی</b>		<b>ص</b>
		۳۱	صائب
۱۸۵	ضمیری	۲۱۹	صابر
۱۸۶	ضیاء	۸۸	صابر
۲۳۲	ضیا	۱۵۶	صاحب
۳۳۸	ضیاء الدین خجندی		صاحب دیوان ،
۲۵۱	ضیاء الدین محمد		رك : شمس الدین
۲۶	ضیائی	۱۸۴	صادق کاکا
	<b>ط</b>	۳۸۶	صادقی تفرشی (آقامحمد)
		۱۷	صادق کتابدار
۱۶۹	طالب	۳۸۷	صافی
۷۴	طالب جاجرمی	۱۷	صالح جغتایی
۱۶۶	طالب لاهیجی	۸۹	صالحی (میرک)
۱۸۷	طاهر	۳۸۸	صباحی
۲۳۹	طاهر (شاه...)	۱۸۴	صبری روزبهان
	طاهر (محمد...)	۱۸۴	صبری زواره
	رك : حرینی	۴۰۱	صبوح
۲۳۲	طبعی	۱۵۴	صبوحی
۴۰۳	طیب	۲۱۴	صبوحی
۸۳	طیبی	۱۷	صبوحی جغتایی
۲۹۳	طرزی	۳۲	صبوری
۱۷	طنزل سلجوقی	۱۴۱	صدرالدین
۱۷	طنیلی	۱۵۶	صدقی
۱۳۵	طلحه	۲۴۵	صدقی (پسر آقا صادق)
۴۰۳	طوفان	۲۶۳	صرفی
۳۲	طوفی	۴۰۱	صفا
۱۸	طهماسب صفوی (شاه...)	۲۳۲	صفیری
	طهماسبی ،	۲۳۹	صفیری
	رك : حیدر	۳۵۳	صفیری

صفحه	نام	صفحه	نام
۱۴۷	عبدالله انصاری	۱۲۴	طیان
۱۸	عبدالله خان ازبک	۴۰۴	طیری
۷۳	عبدی	۲۴۲	طیفور بیک
۱۹۱	عبیدالله خان ازبک		
۲۳۳	عبید زاکانی		
۲۱۲	عنائی	۸۹	ظاهر
۱۹	عنائی تکلو	۱۵۴	ظاهری
۳۴۳	عنیقی	۲۲۶	ظریفی
	عثمان مختاری ،	۲۹۳	ظهوری
	رك : مختاری	۳۶	ظهوری تبریزی
۳۲	هجزی	۷۱	ظهوری ترشیزی
۱۵۸	عجیبی	۱۸۷	ظہیر الدین
۳۲	عذری	۳۲۰	ظہیر قاریابی
۴۱۲	عذری		
۲۶۳	عراقی		
۱۹	عرشی تکلو		
۲۹۳	عرفی	۳۵۹	عاشق
۲۶۳	عریان	۱۸	عادلی
۵۱	عزالدین شروانی	۲۴۰	عارضی
۲۵۱	عزالدین محمود	۴۰۴	عارف
۲۹۷	عزتی	۲۹۳	عارفی
۲۹۷	عزی	۴۰۴	عاشق
۲۳۳	عزیزی	۲۶۹	عالی
۱۳۵	صجدی	۱۸	عباس (شاه ...)
۱۸۷	عشرتی	۱۸	عباس ثانی (شاه ...)
۲۶۸	عشرتی	۲۹	عبدالباقی
۲۵۱	عشقی	۱۵۶	عبدالحق
۳۲	عصار		عبدالرحیم خاتخاتان ،
۳۲۹	عصمت الله بخاری		رك : رحیمی
۲۶۶	عضد		عبدالرزاق ،
۲۲۰	عطاء الله (استاد...)	۸۹	رك جمال الدین
۲۲۰	عطاء الله (قاضی...)	۷۰	عبدالعلی
۱۴۲	عطار		عبدالقادر تونی
			عبدالواسع جبلی ، رك. جبلی

صفحه	نام	صفحه	نام
۲۴۰	غنی	۷۵	عطا ملک جوینی
۴۱۴	غنی	۳۵۹	عظمت
۲۶۸	غواص	۳۵۹	عفتی
۲۶۷	غیاث	۸۲	علاءالدوله سنانی
	غیاث‌الدین دشتکی ،	۲۴۰	علامی آشتیانی
	رک منصور دشتکی	۴۱۳	علی
۲۹۷	غیاث حلوانی	۳۵۸	علی (ناصر علی)
۱۵۶	غیاثی	۷۲	علی شهاب
۴۱۴	غیرت		علی شیرنوائی
۲۹۸	غیرتی		رک : فنائی
			علی قلی بیگ انیسی ،
			رک : اتیسی
			علی قلیخان لکزی ،
			رک : خاکس
۲۶۹	فاخر		علی تقی
۲۲۱	فاخری		عبادالدین
۱۵۶	فارغی	۲۱۴	عباد خوافی
۲۲۳	فارغی	۱۱۷	عباد زوزبی
۲۹۸	فارغی	۷۹	عباد ققیه
۱۶۶	فخرالدوله	۸۰	عباد لر
۱۵۸	فخرالدین اسعد	۱۲۴	عباد
	فخرالدین مسعود،	۱۴	عباد
	رک: مسعود بن بهمن		رک عباد لر
۱۵۴	فخرالدین هروی	۳۲۹	عمق
۲۲۱	فخررازی	۴۱۳	عنایت
۲۵۲	فخری	۳۱۱	عنصری
۱۵۷	فدائی	۳۲	عنوان
۱۶۷	فدائی	۲۲۶	عهدی
۴۱۴	فدائی		
۱۴۵	فدائی بیشابوری		
۳۴۳	فراقی	۱۸۷	غازی قلندر
۲۶۹	فرج الله	۴۱۳	غالب
۳۵۲	فرخاری	۲۵۱	غروی
۸۳	فرخی	۸۹	غزالی
۸۹	فردوسی	۲۲۰	غضایری
۳۳	فردی	۲۴۰	غضنفر

## ف

## غ

صفحه	نام	صفحه	نام
۲۰	قايوس ابن وشكير	۱۹	فرصت
۲۰	قاييلان بيك	۲۴۰	فرقتى
۳۵۸	قادري	۱۵۷	فروغى
	قاسم انوار	۲۳۳	فروغى
	رك . انوار	۱۸۷	فريد احول
۹۶	قاسملى	۱۸۷	فستى
۷۳	قاسمى	۳۳	فصيحي
۱۹۰	قاسمى	۱۵۴	فصيحي
۳۰۵	قاسمى		فضل الله: رك . رشيدالدين
۸۰	قاسمى (مجدالدين)	۱۷۲	فضولى
	قاضى يعقوب	۹۵	فطرت
	رك: يعقوب	۲۹۸	فغانى (بايا...)
۱۶۷	قاسى	۲۶۷	فقور
۹۶	قتالى	۸۱	فكارى
۳۱۹	قتالى	۱۸۹	فكرى
۹۶	قدسى	۲۲۲	فكرى
۱۶۷	قرارى	۵۱	فلكى
۲۲۲	قرى	۱۹	فنائى
۴۱۴	قرينى	۳۵	فنائى (شيخ احمد)
۲۰	قسى	۹۶	فنائى (اصغر)
۳۳	قطران		فندرסקى، رك . ميرفندرסקى
۱۷۰	قصرى (سراج .)	۳۳	فوقى (نسوى)
۱۹۰	قوام الدين (ميرشاه .)	۱۴	فوقى تركمان
۹۶	قوسى	۱۲۴	فهبى
۲۹۹	قيدى	۲۲۲	فهبى
	ك	۲۵۲	فهبى
۲۶۸	كاتب	۱۶۷	فياض
۷۲	كاتبى	۲۵۲	فيض
۱۵۴	كاتبى	۳۵۴	فيضى دكنى
۳۴	كانظا		
۱۱۷	كانرك		
۲۳۳	كاكا		
۸۲	كاسى	۸۲	قابلى

صفحه	نام	صفحه	نام
۲۱	مایل (قلیچ خان)	۱۳۵	کسانی
۲۵۲	مایلی	۲۶۸	کسوتی
۳۰۵	مایلی	۱۳۵	کلامی
۱۳۴	مبارک شاه	۱۹۰	کلامی
۱۳۸	مجدالدین سوی	۳۰۵	کلامی
۲۹۹	مجدالدین همگر	۲۹۸	کاوعلی
۴۱۵	مجید (درویش)	۲۵۲	کلیم
۲۷	مجیرالدین بیلقانی	۱۹۰	کمال اسماعیل
۲۵۳	محتشم	۲۱	کمال الدین (ملک...)
۲۱۳	محضری		کمال الدین بتدار،
۱۷۲	محمد (شیخ ..) عامی		رک: بتدار
۸۲	محمد (میرزا...)	۳۳۹	کمال الدین مسعود خجندی
	محمد بن محمود،	۸۲	کمالی
	رک: ابن محمود	۸۲	کمالی
	محمد امین ترکمان،	۱۶۸	کمالی
	رک: فوقی ترکمان	۳۵۹	کم گو
۴۱۵	محمد بیک		<b>گ</b>
۹۶	محمد جامه باف (سید ..)		
۹۶	محمد حسن (میر...)	۲۱	گرامی (محمد حسین بیک)
	محمد قلی سلیم،	۲۱	گرامی (مهدی قلی خان)
	رک: سلیم محمد قلی	۱۴۱	کلغنی
۱۵۷	محمد مؤمن		<b>ل</b>
	محمد مؤمن میرزا		
	رک: مؤمن میرزا	۳۵۹	لاه خاتون
۱۷۲	محمد نجفی	۱۵۸	لاهوی
	محمود (عزالدین)	۲۹۹	لسانی
	رک: عزالدین،	۱۴۴	لطف الله
	محمود شبستری،	۲۲۲	لطفی
	رک: شبستری	۱۴۵	لطفی تیشابوری
۲۶۵	مجوی	۲۴۱	لوائی
۲۶	مجوی (عبدالملی)		<b>م</b>
۳۰۵	مجبی	۲۳۳	مالک
۱۱۷	مختاری	۹۶	مای
۱۶۸	مغنی	۲۹۹	مای